

به نام خدا

In the name of G-d

# فرهنگ لغات یهودیان تران (سرچایی)

## سخن سردبیر

گویش‌های یهودیان در سراسر ایران پیوند تنگاتنگی با زبان پهلوی داشته، و طی بیش از دوهزار و پانصد سال اقامت در سرزمین پهناور ایران به‌سبب مهاجرت‌ها، تحت تاثیر عواملی چون جغرافیا، تاریخ و ارتباط با آداب و رسوم دیگر طبقات اجتماعی قرار گرفته است. موضوع این مبحث زبان شکسته یا زبان لاتورایی (لوترائی) می‌باشد، زبان یا گویشی است که اکثر یهودیان با آن آشنا بودند و یقیناً زبان دوم آنان به‌شمار می‌رفته و یهودیان با ورود به هر منطقه برای گفتگو با دیگر یهودیان از آن بهره می‌جستند.

مسلمان یهودیان هر یک از شهرستان‌ها این گویش را که در آن لغات آرامی و عبری هم یافت می‌شود به صورت مقطعی با لهجه خودشان ادا می‌کردند مثلاً می‌توان گفت صرف افعال در جیدی اصفهانی، راجی همدان و گویش کلیمیان کاشان و یزد چندان تفاوتی با هم ندارند تنها در زیر و زبر است که تفاوت‌هایی با هم دارند. اما درباره گویش فارسی یا تهرانی با وجود آنکه در گروه گویش‌های راجی یا گویش‌های مرکزی یا گویش مادی یا مادها است، به سبب تاریخچه متفاوت سکونت یهودیان در این شهر وضع به‌کلی متفاوت است. به نظر می‌رسد، در بین گویش‌های یهودیان ایران گویش یهودیان تهران در مقایسه با دیگر گویش‌ها جوانتر و دارای قدمت کمتری است. در واقع شهر تهران و پایتختی‌اش و حضور کلیمیان از دوره قاجاریه شکل گرفت. از سوی دیگر شهر ری که یکی از مهم‌ترین شهرهای منطقه ماد بوده از سکونت‌گاه‌های باستانی یهودیان در ایران بوده است و می‌توان تاریخچه حضور یهودیان در تهران را از این شهر پی‌گرفت. اما چنان‌که می‌دانیم تا قبل از دوره قاجار می‌توان گفت که تهران سکنه یهودی نداشته ساکنان یهودی تهران همچون دیگر سکنه‌اش با اهمیت یافتن این شهر ابتدا از شهر گیلیارد (دماؤند) سپس از دیگر شهرستان‌ها به آن مهاجرت کردند و در محله عودلاجان ساکن شدند، به همین سبب زبان معیاری که این یهودیان با هم صحبت می‌کردند همان فارسی امروزی بود که با لهجه‌ای خاص کلیمیان دماوندی ادا می‌شد (که بعدها به

گویش سرچالی معرف شد) و هر خانواده‌ای بنا بر خاستگاه اولیه خود اصطلاحات یا واژگانی به کار می‌برند که در خانواده‌های دیگر کمتر مرسوم بود. از چشمگیرترین ویژگی‌های گویش سرچالی ( محله‌ای) یا تهرونی کلیمیان، استفاده واژه «ک» یا «اک» در انتهای بیشتر واژگان می‌باشد و نیز مثل‌ها و استعاراتی است که غالباً تهمایه طنز دارند.

جمع آوری واژه‌های این مجموعه بر پایه یاداشت‌های موجود، مصاحبه‌ها و استخراج اصطلاحات انجام گرفته ضمن آنکه برای پیشبرد آن خانم الهام آبائی با گویش وران تهرانی آقای هارون یشاپایی و سارا بنایان مصاحبه کرده و واژگان را ثبت و ضبط کرده است. همچنین برای کامل کردن این فرهنگ لغات از دایره واژگان دوستان دیگر خانم مینو کوتال، داریوش ستاره و فرزین لاهیجانی بهره بردیم. این مجموعه به جز واژگان جدولی از غذاهای سنتی یهودیان تهران و اصطلاحات دینی را نیز در اختیار مخاطب قرار می‌دهد که مغتنم است.

مرکز پژوهش و مطالعات ایرانیان یهودی درجهت فعالیت‌های فرهنگی خود ابتدا از طریق صدابرداری، اقدام به جمع آوری و ضبط گویش‌های رایج و متفاوت بین یهودیان شهرهای ایران، کرده است، تا با این روش گویش‌هایی که به مرور منسوخ می‌شوند را ثبت کند. حال در تلاشیم با همیاری علاقمندان و اندیشمندان گویش‌های بهجا مانده یهودیان ایران را در قالب یک فرهنگ لغات جمع آوری کنیم و نخست به صورت دیجیتالی در وبسایت 7dorim به دوستان اندیشمند ارائه نمائیم و در فرصتی مناسب در یک مجموعه تحت عنوان «فرهنگ لغات یهودیان ایران» منتشر نمایم.

در اینجا وظیفه خودمی‌دانم از سرکارخانم لثادانیالی برای مدیریت در تنظیم و ویرایش و مردخاری امین شموئیان برای کارهای فنی و صفحه آرای این مجموعه که همکاری بی‌دریغشان را نثار نمودند سپاس دارم.

یوسف ستاره شناس

بنیانگذار وبسایت 7dorim

# آ

| Pronunciation       | English               | محله ای            | فارسی          |
|---------------------|-----------------------|--------------------|----------------|
| Ou                  | Water                 | او                 | آب             |
| Abdar,<br>Abla'mbu  | Juicy                 | آب دار، آب لَمْبُو | آب دار         |
| Chorm               | Hot water             | چورم               | آب داغ         |
| Abesa'n             | Pregnant              | آِسَن              | آبستن، حامله   |
| Pala'sht            | Strainer              | پالشت              | آبکش           |
| Aba'ki, Shol        | Watery                | آبکی، شُل          | آبکی           |
| Abgusht,<br>Abgush  | Meat broth            | آبگوشت، آبگوش      | آبگوشت         |
| A'lō                | Fire, Flame           | آلُو               | آتش، شعله      |
| Musha'k<br>midovune | rabble-rouser         | موشك می دوونه      | آتش بیار معركه |
| Serefā              | Set fire              | سِرفا              | آتش زدن        |
| Ajdan, Ajan         | Police                | آژدان، آجان        | آجودان         |
| Del gonde           | Laid back<br>(person) | دل گُنده           | آدم آهسته کار  |
| Gha'ra'sulan        | Troublemaker          | قرَسولان           | آدم اذیت کن    |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation   | English                          | محله‌ای  | فارسی                                    |
|---|----------------------------------|--|--|
| Mora'ba goh,<br>Felane bi<br>da'ste Haji kun<br>sulakh,<br>Heyfe nun,<br>Pesa're<br>Otolkhan righ,<br>Pesa're<br>Otorkhan keke<br>beriz | Good-for-nothing, Idler (person) | مربا گ، فلان<br>بی دسته، حاجی کون<br>سولاخ، حیف نون،<br>پسر اُتل خان ریق،<br>پسر اُتور خان که که<br>بریز | آدم بی خود، به درد نخور،<br>آدم بی خاصیت |
| Na'nge<br>na'vel,<br>Na'ngie  | Slouchy person                   | ننگ نوال، ننگیه  | آدم بی عرضه و کسی که<br>کارهای بد می کند |
| Shepesha'ke<br>lahaf kohne,<br>Amari kun<br>pa'hnn, Shash<br>koloft,<br>Bikhod  | Lazy                             | شپشک لحاف کهنه،<br>آماری کون پهنه،<br>آقاجان شاش کلفت،<br>بی خود   | آدم تنبل و تکان نخور                     |
| Poshte<br>ebrahime<br>kha'rakchi  | porter                           | پشت ابراهیم خرکچی  | آدم حمال و باربر                         |
| Penas, molla<br>pinas   | Humiliated and<br>dirty person   | پناس، ملا پیناس  | آدم خوار و ذلیل و کثیف                   |
| Sa'd ta<br>shiva'n ro<br>vas'sh ye ja<br>bekhuni  | Ugly and<br>miserable<br>person  | صد تا شیون رو<br>واسش یه جا بخونی  | آدم زشت و بدبوخت                         |
| Morday to<br>gur  | Very ugly<br>person              | مُردای تو گور  | آدم زشت و غیر قابل<br>رویت               |
| Da'da' sia  | Brunette                         | دد سیا   | آدم سبزه                                 |
| La'ha'k   | Indolent person                  | لَحَك  | آدم شُل و وارفته                         |
| Gholombe<br>kuft  | Good-for-nothing person          | قُلْمَبَه کوفت   | آدم مزخرف                                |
| Sa'rbaze<br>silakhori   | Parasitic person                 | سر باز سیلاخوری  | آدم مفت خور                              |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                  | English                       | محله‌ای                     | فارسی                                 |
|--------------------------------|-------------------------------|-----------------------------|---------------------------------------|
| Ya'vashi,<br>Ya'vash           | Quiet                         | یواشی، یواش                 | آرام، آهسته                           |
| Niama't<br>Gerefta'n,          | To relax                      | نیامت گرفتن،<br>بی خیالی    | آرامش یافتن                           |
| Ba'za'k<br>ka'rda'n            | Make up                       | بَزَكْ کردن                 | آرایش                                 |
| A'ghide, Del<br>bekhah         | Desire                        | عقیده، دل بخواه             | آرمان                                 |
| Za'nane,<br>Ma'shate           | Hair plucker/<br>Hair dresser | زنانه، مَشاطه               | آرایشگر زن                            |
| Sa'l'muni                      | Barber                        | سلمونی                      | آرایشگر مرد                           |
| Ta'khte<br>beshura'n           | To wish<br>someone die        | تخته بِشورَن                | آرزوی مردن کسی را<br>کردن، نفرین      |
| Az ghahre<br>jezuni<br>oftadan | Stop hurting<br>others        | از قهره جزوی افتادن         | از آزار و اذیت دست<br>کشیدن           |
| Na'ghama,<br>Neghama           | Harassment,<br>Torment        | نقاما                       | آزار و عذاب، اذیت کردن،<br>زجر، شکنجه |
| Raha't,<br>Asun                | Easy                          | راحت، آسون                  | آسان                                  |
| Asa'r                          | Lining                        | آسر                         | آستر                                  |
| Asin                           | Sleeve                        | آسین                        | آستین                                 |
| Shama'yim,<br>Asemun           | Sky                           | شامعیم، آسمون               | آسمان                                 |
| Asyab<br>khunegi               | Windmill                      | آسیاب خونگی                 | آسیاب دستی                            |
| Ma'tba'kh,<br>Ma'dba'kh        | Kitchen                       | مطبخ، مطبخت،<br>mdbخت، مدبخ | آشپزخانه                              |
| Zert o zebil                   | Rubbish                       | زِرت و زِبیل                | آشغال                                 |
| Delshura'k,<br>Pa'rishun       | Agitated                      | دلشورَک، پَریشون            | آشفته                                 |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                       | English                  | محله‌ای              | فارسی             |
|-------------------------------------|--------------------------|----------------------|-------------------|
| Ba'gha'l,<br>Va'redel               | Embrace                  | بَغْل، وَرِدِل       | آغوش              |
| Ba'la, Bela                         | Calamity                 | بَلا، بِلا           | آفت               |
| Khorshid,<br>Aftab, Oftov           | Sun                      | خورشید، آفتاب، اُفتو | آفتاب             |
| Oftov<br>ga'r dun                   | Sunflower                | أُفتو گردون          | آفتاب گردان       |
| Lulha'ng                            | Ewer washer              | لوله‌نگ              | آفتابه            |
| Ta'khte<br>munde                    | Genital organ            | تحته مونده           | آلت تناسلی        |
| Alu<br>fa'sha'ndi                   | Plum                     | آلو فَشنَدَى         | آلو               |
| Alu shirin                          | Green plum/<br>Sour plum | آلو شیرین            | آلوجه             |
| Alu<br>pokhta'ni                    | Yellow plum              | آلو پختنی            | آلوزرد            |
| Va'ra'm,<br>Vera'm                  | Inflammation             | ورَم، وِرم           | آماس              |
| Uma'd                               | Came                     | اوَمَد               | آمد               |
| Mela'med,<br>Moa'lem                | Teacher                  | مِلَمِيد، معلم       | آموزگار           |
| Da'rha'm                            | Mixed                    | درهم                 | آمیختگی           |
| Amen                                | Amen                     | آمن                  | آمین              |
| Un                                  | That                     | اون                  | آن                |
| Unja                                | Over there               | اونجا                | آنجا              |
| Un ruz                              | That day                 | اون روز              | آن روز            |
| Uva'ngun                            | Hanging                  | اوونگون              | آویزان            |
| Sa'r tu<br>jiga'ra'm<br>na'kon      | Don't bother<br>me!      | سَرْ تو جيگرم نکن    | این قدر اذیت نکن! |
| Payma'k,<br>Gha'da'm be<br>gha'da'm | To walk slowly           | پایمک، قدم به قدم    | آهسته راه رفتن    |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation   | English  | محله‌ای                                    | فارسی                          |
|---|--|--|--------------------------------|
| Ova'ng  | Thune  | أونگ                                       | آهنگ                           |
| Pasugh  | Verse  | پاسوق                                      | آیه                            |
| Sheytun,<br>Satan                                     | Satan  | شیطون، ساطان                               | ابليس                          |
| Peda'r, Buva  | Father   | پدر، بُووا                                 | ابوی                           |
| Zekhut,<br>Kavud                                      | Respect  | رِحْمَة، کاود                              | احترام                         |
| Ha'mur  | Silly, Foolish   | حَمُور                                     | احمق                           |
| Ma'hlughet,<br>Ta'zad                                 | Opposition   | مَحْلُوقَة، تضاد                           | اختلاف و ضدیت،<br>دعوا و معرکه |
| Sejel a'hval  | Civil Registry<br>Office                                       | سِجِل أحوال                                | اداره ثبت احوال                |
| A'dviyajat  | Spices   | ادويه‌جات                                  | ادويه                          |
| Ya'ban<br>gerefta'n                                   | Levirate (a<br>man obliged to<br>marry his<br>brother's widow) | بیان گرفتن                                 | ازدواج با بیوه برادر           |
| Da've'l<br>dada'n,<br>Da'vunda'n                      | To send<br>someone on a<br>fool's errand                       | دوَل دادن، دَوْوندن                        | از سر باز کردن                 |
| Ustad, Ussa   | Master   | اوستاد، اوسا                               | استاد                          |
| Ostekhun,<br>Ostokhun                                 | Bone   | أَسْتُخُون، أَسْتُخُون                     | استخوان                        |
| Gha'syun,<br>Estefragh,<br>Ghey                       | Vomit  | قَسِيُون، استفراغ، قِى                     | استفراغ، تهوع                  |
| Ba'rminan,<br>Has ve<br>shalom,<br>A'sta'ghforel<br>a | God forbid   | بَرْمِينان،<br>حَس و شَالْم،<br>استغفرالله | استغفرالله                     |
| Otaghe<br>a'gha'bi,<br>Pa'stu                         | Rear room  | اطاق عقبی، پَسْتو                          | اطاق عقب                       |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation  | English  | محله ای   | فارسی               |
|--|--|---|---------------------|
| Lo emuna   | Lack of trust  | لو امونا  | اطمینان نداشتن      |
| Vera'm<br>(Vera'm bad),<br>Bad o borugh,<br>Fis, Ga'nde<br>da'magh | To boast, To<br>show off   | ورم (ورم باد)، باد و<br>بروق،<br>فیس، گند دماغ        | افاده               |
| Chosi miad   | He/She boasts  | چُسی می اد  | افاده دارد          |
| Halleluyah,<br>Barukh<br>ha'shem,<br>Alha'mdorola<br>h             | Praise and than<br>ks to God<br>(an emotional e<br>xpression)    | هِلَّوْيَا (آوای شادی)،<br>باروخ هشِم،<br>الحمدُ لَاه | الحمد للله          |
| Mashia'h,<br>Emam<br>Za'mun  | Messiah (The<br>promised and<br>expected savior or<br>liberator) | ماشیح، امام زمان                                      | امام زمان           |
| Domboliche<br>,  | Coccyx,  | دُمبليچه، دُمباليچه                                   | انتهای ستون فقرات   |
| Dombaliche   | Tailbone   |   | (دبليچه)            |
| Yehi rasun   | God willing  | یٰحیٰ راصون   | انشاء الله          |
| Yerushulai<br>m  | Jerusalem  | یروشولائیم  | اورشلیم             |
| Bekhur   | First born   | بخار  | اول زاد (پسر)       |
| Ghushia,<br>Ba'hane,<br>bune alila'                                | To nitpick   | قوشیا، بهانه، بونه<br>علیلا                           | ایراد بی جا گرفتن   |
| Vaysada'n  | To stand   | وایسادن   | ایستادن             |
| Emuna  | Belief   | امونا   | ایمان، صداقت، امانت |

# ب

| Pronunciation                   | English                  | محله ای              | فارسی           |
|---------------------------------|--------------------------|----------------------|-----------------|
| Bad o bud                       | Wind                     | باد و بود            | باد             |
| Bara'ng                         | Grapefruit               | بارنگ                | بارهنگ          |
| Vaz                             | Open                     | واز                  | باز             |
| Va ka'rda'n                     | To open                  | وا کردن              | باز کردن        |
| Va'rperide                      | Playful                  | ورپریده              | بازیگوش و بلا   |
| Kun                             | Hip                      | کون                  | باسن            |
| T a'khte<br>a'lmas              | glorious                 | تخت الماس            | باشکوه و بهترین |
| Ga'n eden                       | Paradise                 | گن عِدِن             | باغ بهشت        |
| Mota'ka                         | Pillow                   | مُتَکا               | بالش            |
| Khanum                          | Lady                     | خانوم                | بانو            |
| Ha'tma'n,<br>Khube              | Should be                | حتما، خوبه           | باید، بایستی    |
| Ma'hila,<br>Ma'hila<br>Ka'rda'n | Excuse me,<br>To forgive | محیلا، محیلا کردن    | ببخشید، بخشیدن  |
| Becheke,<br>Beche,<br>Beneche   | Child                    | بچه که،<br>بچه، بنچه | بچه             |
| Beche<br>kuchik                 | Baby                     | بچه کوچیک            | بچه کوچک        |
| Pishuni,<br>Ma'zal              | Fortune, Luck            | پیشونی ، مزال        | بخت             |
| Selihut,<br>Ba'khshayesh        | Forgiveness              | سلیحوت، بخاشایش      | بخاشایش         |
| Ba'khte siyah,<br>Ba'dba'kht    | Miserable                | بخت سیاه،<br>بدبخت   | بدبخت           |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                                | English                           | محله‌ای                     | فارسی              |
|--|-----------------------------------|-----------------------------|--------------------|
| shiv a'nesh<br>p a'ne                        | Very unfortunate                  | شیونش پنه                   | بدبختیش زیاده      |
| Ba'd rikht,<br>Ba'd<br>gha'vare              | Ugly                              | بدریخت، بدقواره             | بدترکیب            |
| Eghbala'm<br>besuze                          | I was unlucky                     | اقبالم بسوزه                | بدشانسی آوردم      |
| Ada'me ba'd,<br>Ba'd num                     | Disgraced                         | آدمِ بد، بد نوم             | بدنام              |
| Viakamun                                     | Give                              | ویاکامون                    | بده                |
| Berada'r,                                    | Brother                           | برادر، آخری                 | برادر              |
| Vase   | For                               | واسه                        | برای               |
| Ha'rgez<br>na'duni                           | I hope it didn't<br>you happen to | هرگز ندونی                  | برایت اتفاق نیفتد  |
| Ba'r dashta'n,<br>Va'r dashta'n              | To pick up                        | برداشتن، ورداشتن            | برداشتن            |
| Berakha,<br>Nema't                           | Blessing                          | براخا، نعمت                 | برکت               |
| Ba'lk  | Leaf                              | بلک                         | برگ                |
| De biya                                      | Come back                         | دبيا                        | برگرد              |
| Kho boro                                     | Go                                | خُ برو                      | برو                |
| Ba ha'fta<br>ha'mal<br>beba'ra'ned,<br>Herry | Go out                            | با هفتا حمال ببرند،<br>هرری | برو بیرون          |
| Sa'l mavet                                   | Good riddance                     | سلماوت                      | بری که بر نگردنی   |
| Cha'rchi                                     | Cloth-hawker                      | چرچی                        | باز دوره گرد       |
| Kola ma'lu                                   | Jewish cloth-<br>hawker           | کلا معلو                    | باز دوره گرد یهودی |
| Gadol,<br>Gadul                              | Big                               | گادل، گادول                 | بزرگ               |
| Bema'rgunes                                  | Hit him/her                       | بمرگونش                     | بزنیش              |
| Khuba',<br>Khab                              | It' enough                        | خوبه، خاب                   | بس است             |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation  | English                       | محله‌ای  | فارسی           |
|--|-------------------------------|--|-----------------|
| Chini<br>ba'nya'n  | Staping                       | چینی بن زن   | بست چینی        |
| Un donya   | Never                         | اون دنیا   | بعد از مردن     |
| Bekhavud   | Help yourself,<br>With honour | بخاود  | بفرمایید        |
| Beyzar   | Let                           | بیذار  | بگذار           |
| Kha begu   | Say / Talk                    | خا بگو   | بگو             |
| Bela'da'   | He/She can                    | بلد  | بلد است         |
| Rufida'n   | To swallow                    | روفیدن   | بلغیدن          |
| Bola'nd<br>gha't, Deraz  | Tall                          | بلند قَت، دراز   | بلند قد         |
| Foru beri,<br>Nima't bemune,<br>Ru ab<br>bekha'ndi, Bad<br>biari, Pishe<br>da'ste babam,<br>Mesle babam<br>shi, Bade<br>yaman biar | May you die                   | فرو بُری، نیمت بِمونه،<br>رو آب بخندی، باد<br>بیاری، پیش دست<br>بابام، مثل بابام شی،<br>باد یامان بیار | بمیری           |
| Niflarut   | kicked He/She<br>the bucket   | نیفلاروت   | به درَک رفت     |
| Emeti,<br>Rasa'ki  | Truly                         | امِتی، راسَکی  | به راستی        |
| Le chaim   | To life                       | لخیم   | به سلامتی       |
| Tolle,<br>Da'rha'm   | Tangle                        | تلّه، درهم   | به هم پیچیده    |
| Be ezra't<br>ha'shem   | With God's help               | به عِزَّرَت هَشِّم   | به یاری خدا     |
| A'lila, Bone   | Excuse                        | علیلا، بُنہ  | بهانه           |
| Ye giresh<br>uma'de  | On the pretext<br>of          | یه گیرش او مده   | بهانه دستش آمده |
| Beyta'r  | Better                        | بیتر   | بهتر            |
| Bet<br>ha'mighdash   | Jerusalem                     | بَت هَمِيقِداش   | بیت المقدس      |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Prounciation                          | English                     | محله ای                            | فارسی      |
|---------------------------------------|-----------------------------|------------------------------------|------------|
| Beli neder,<br>Bime naei              | Not to make a<br>(vow (oath | بیلی ندر، بیم نائی،<br>به‌امید خدا | بی‌حرف پیش |
| Sha'ng o<br>vaveila,<br>Zesht, Ikbiri | Ugly                        | شنگ و واویلا، زشت،<br>ایکبیری      | بی‌ریخت    |
| Tokhm                                 | Testicle                    | تُخُم                              | بیضه       |
| Naraha't,<br>Mosha'va'sh              | Agitated                    | ناراحت، مُشوَش                     | بی‌قرار    |
| Pa'khme,<br>Nalayegh                  | Incapable                   | پَخمِه، نالایق                     | بی‌لیاقت   |
| Ma'riz                                | Sick                        | مریض                               | بیمار      |
| Ma'riz<br>khune                       | Hospital                    | مریض خونه                          | بیمارستان  |
| Demagh                                | Nose                        | دِماغ                              | بینی       |

| Pronunciation   | English  | محله ای                                    | فارسی               |
|---|--|--|---------------------|
| Ajdan, Mola<br>Ya'ghub,<br>Ajan                             | Police   | آژدان، ملایعقوب،<br>آجان                   | پاسبان              |
| Ruchida'n   | To watch   | روچیدن                                     | پاییدن              |
| Ashpa'zi  | To cook  | آشپزی                                      | پختن                |
| A'b, Bova   | Father   | آب، بُوا                                   | پدر، بابا           |
| Bakhaje,<br>Babaji  | Grand father   | باخاجه، باباجی                             | پدربرگ              |
| Dat kelev   | Roguish  | دات کِلو                                   | پدر سگ، دین سگ      |
| Bavor<br>morde, Baba<br>sa'g, Bava<br>morde, Bavo<br>morder | Roguish/dishonest  | باور مرده، بابا سگ،<br>باوا مرده، باو مرده | پدر سوخته           |
| Galut   | Diaspora   | گالوت                                      | پراکندگی (در بهدری) |
| Pa'rde<br>Hekhal  | the curtain that<br>covers the Torah<br>ark in synagogue<br>(Parochet) | پرده هِحال                                 | پرده جایگاه تورات   |
| Ja'sta'n,<br>Perida'n                                       | To jump  | جَستن، پریدن                               | پَریدن              |
| Pesa'ra'k   | Boy  | پسرک                                       | پسر                 |
| Beni chi,<br>Bene che                                       | Small boy  | بنی چی، بنه چه                             | پسر بچه             |
| Pesa'r Amu,<br>A'muzade                                     | Cousin   | پسر عامو، عموزاده                          | پسر عمو             |
| Pesa'r A'me,<br>A'mezade                                    | Cousin   | پسر عمه، عمه زاده                          | پسر عمه             |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                        | English                    | محله‌ای              | فارسی                                 |
|--------------------------------------|----------------------------|----------------------|---------------------------------------|
| Pa'sun fa'nda                        | Day after tomorrow         | پسون فردا            | پس فردا                               |
| Pala                                 | Behind                     | پله                  | پشت سر                                |
| Pa'sa'le                             | To backbite                | پسله                 | پشت سر کسی حرف زدن یا کاری کردن       |
| Regas<br>(Reghas)                    | Continuous                 | رِگاس (رقاس)         | پشت سر هم                             |
| Regas<br>vaysada'n                   | Standing behind each other | رِگاس وايسادن        | پشت سر هم ایستادن                     |
| Penas                                | Low value                  | پناس                 | پشیز، پاپاسی، پول سیاه و خرد، یک شاهی |
| Ba'ad az char                        | Five                       | بعد از چار (چهار)    | پنج                                   |
| Mahila budi ta'la'bida'n             | Pardon                     | محیلا بودی طلبیدن    | پوزش خواهی                            |
| Peruta,<br>Sha'lme                   | Money                      | پروتا، شلمه          | پول                                   |
| Ghur o gha'rayem,<br>Ghura'h         | To become rich             | قور و قرایم، قورح    | پولدار شدن                            |
| Ta'ra'f, Pa'lū                       | Side                       | طرف، پعلو            | پهلو                                  |
| Pan,<br>Ghoshad                      | Wide                       | پن، گشاد             | پهن                                   |
| Pira'n                               | Shirt                      | پیرن                 | پیراهن                                |
| Navi,<br>Peyemba'r                   | Prophet                    | ناوی، پیغمبر         | پیامبر، نبی، پیغمبر                   |
| Navi ha el                           | God prophet                | ناوی ها ال           | پیامبر خدا                            |
| Nalan<br>(Nalun),<br>A'juze          | Very old                   | نالان (نالون)، عجوزه | پیر و شکسته                           |
| Nebva                                | Forecast                   | نبوا                 | پیش‌بینی                              |
| Ha'zan,<br>Kha'zan,<br>Shaliah sipur | Cantor                     | حَزَان، حَزَان       | پیش‌نمای                              |



| Pronunciation                   | English                               | محله ای                         | فارسی         |
|---------------------------------|---------------------------------------|---------------------------------|---------------|
| Tove                            | Frying pan                            | تُوه                            | تابه – تاوه   |
| Tala                            | Till now                              | قا                              | تا حال        |
| Seba mere                       | May you die soon                      | صِبا مِره                       | تا صبح بمیری  |
| Mua'dim shalom                  | Happy festival period                 | موَعَدِيم شَالْم                | تبریک عید     |
| Perusha                         | Analyses                              | پُروشا                          | تجزیه و تحلیل |
| Tofe na'ta'nz                   | Someone/Something apparently valuable | تُفه نَطْنَز                    | تحفه نَطْنَز  |
| A'ghuzim                        | To belittle                           | أَقْوَزِيْم                     | تحقیر کردن    |
| Tokhme endune, Tokhma'k         | Watermelon seed                       | تُخْمَهِ انْدوْنَه، تُخْمَك     | تخمه هندوانه  |
| Cha'ndida'n, Delida'n, Dilida'n | Be afraid                             | چَنْدِيدَن، دَلِيدَن، دِيلِيدَن | ترسیدن        |
| Delide                          | He/She is frightened                  | دِلِيدَه                        | ترسیده        |
| Midela'd                        | He/She is scared                      | مِي دِلَد                       | می ترسد       |
| Delmala'k, Tu rush              | Sour                                  | دِل مَالَك، تُورُوش             | ترش           |
| Pokida'n                        | Explosion                             | پُكِيدَن                        | ترکیدن        |
| Dosha'k, Dusha'k                | Mattress                              | دُشَك، دوشَك                    | تشک           |
| Pirisida'n                      | To seize                              | پِيرِيسِيدَن                    | تصرف کردن     |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                           | English                       | محله‌ای                          | فارسی                                |
|---|-------------------------------|----------------------------------|--------------------------------------|
| Haghala,<br>Ha'gala                     | Rinse                         | هاقالا (هَعَالَا)                | تطهیر ظروف (برای موعد پسح)           |
| Mish<br>ta'ha'vim                       | Bow down                      | میش تَحَوِّیم                    | تعظیم                                |
| Ta'fsil                                 | Commentary                    | تَفْسِيل                         | تفسیر                                |
| Darash<br>ka'rda'n                      | To comment,<br>Preach         | داراش کردن                       | تفسیر کردن، موعظه                    |
| Gha'dish,<br>Ghidush                    | Holly                         | قدیش، قیدوش                      | تقدیس                                |
| A'gne                                   | Meat piece                    | آجِه                             | نکه گوشت                             |
| Za're mar                               | Bitter                        | زَمَار                           | تلخ                                  |
| Telgheraf                               | Telegraph                     | تِلْقِراف                        | تلگراف                               |
| Telifun                                 | Telephone                     | تِلْفُون                         | تلفن                                 |
| Ja'be seramiz                           | Television (TV)               | جعبه سِرَامِيز                   | تلوزیون                              |
| Berakha<br>shoda'n                      | To finish                     | بِراخَا شدَن                     | تمام شدن                             |
| Kevanah                                 | Intention, sincere<br>feeling | كِوانا                           | تمرکز فکر هنگام نماز                 |
| Pul o pa'le                             | Property, Assets              | پُول و پَلَه                     | تمويل                                |
| Domba'k                                 | Drum                          | دُمبَك                           | تنبک                                 |
| Mordekha<br>kun pa'n                    | Laziness                      | مُرِدِخَا كون پهنهن              | تنبلی، لقب تشییه‌ی برای آدم‌های تنبل |
| Khela, Ma'bal,<br>Ma'val, Das-<br>shuee | Toilet, Restroom              | خِلا، مَبَال، مَوَال، دَسْشُويَي | تواالت                               |
| Teshuva                                 | Repentance                    | تِشُوا                           | توبه                                 |
| Torah,<br>Turah, Tora                   | Old Testament                 | تُورَا، تُورَا، تُرَا            | تورات                                |
| Bon                                     | Stuck-pot rice                | بُن                              | ته‌دیگ برنج                          |
| Deru<br>ghadeshuva                      | To figure out                 | دِرو قادِشُوا                    | ته و توی کاری را درآوردن             |
| Alila                                   | Slander                       | عَلِيلا                          | تهمت                                 |

# م

| Prounciation                          | English             | محله ای                             | فارسی          |
|---------------------------------------|---------------------|-------------------------------------|----------------|
| Malo menal,<br>Daraie, Mal<br>o mamun | Wealth              | مال و مِنال، دارایی،<br>مال و مامون | ثروت           |
| Ghura<br>gheraeen                     | Legendary<br>wealth | قورا گرائین                         | ثروت افسانه ای |
| Mitsva,<br>Misva                      | Good act            | میتصوا، میصوا                       | ثواب           |

# ج

| Prounciation                       | English        | محله ای                  | فارسی               |
|------------------------------------|----------------|--------------------------|---------------------|
| Batokme                            | Button hole    | باتُکمه                  | جادگمه              |
| Jadu ja'mba'l                      | Magic          | جاد و جَمبَل             | جادو                |
| Mera'gol                           | Spy            | مِرَگَل                  | جاسوس               |
| Jum, Piale                         | Cup            | جوُم، پیاله              | جام                 |
| Kehila,<br>Ghehila                 | Congregation   | کهیلا (قہیلا)            | جامعه یهودی یک کشور |
| Ma'rg<br>ka'nda'n, Jun<br>ka'nda'n | Agony of death | مرگ کندن، جون<br>کندن    | جان کنندن           |
| Sa'va                              | Separate       | سَوا                     | جُدا                |
| Khore                              | Leprocy        | خُوره                    | جدام                |
| Yek cha'k<br>Ab, Cheke             | Water sip      | یک چَک آب، چکه           | جرعه آب             |
| Avun                               | Crime          | عاوون                    | جُرم                |
| Jurida'n                           | To find        | جوریدن                   | جُستن               |
| Ha'va ra'fta'n,<br>Pa'rida'n       | Jump           | هوا رفتن، پریدن          | جِستن               |
| Barmisva,<br>Tefilin<br>ba'ndun    | Bar Mitzvah    | برمیصوا،<br>تفیلین بندون | جشن تکلیف پسران     |
| Batmisva                           | Bat Mitzvah    | بَت میصوا                | جشن تکلیف دختران    |
| Ja'ba'k                            | Box            | جَبَك                    | جعبه                |
| Bufe kur                           | Owl            | بوفِ کور                 | جُند                |
| Jiga'r                             | Liver          | جيگر                     | جگر، کبد            |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                            | English     | محله‌ای                      | فارسی      |
|--|-------------|------------------------------|------------|
| Ghal<br>ghadush,<br>Ghehal<br>ha'ghadush | Holy people | قال قادوش (قِهال<br>هَقادوش) | جماعت مقدس |
| Adine                                    | Friday      | آدینه                        | جمعه       |
| Shedim                                   | Jinn        | شَدِيم                       | جن         |
| Shedim o<br>ma'zli ghim                  | Fairy       | شَدِيم و مَزْلِي قِيم        | جن و پری   |
| Bahria't                                 | Young       | بَحْرِيت                     | جوان       |
| Jevuni                                   | Youth       | جِوونی                       | جوانی      |
| Gha'la'yan                               | Boil        | غَلَيان                      | جوشان      |
| Gholida'n                                | To boil     | غُلیدَن                      | جوشیدن     |
| Jazie                                    | Dowry       | جازِيه                       | جهیزیه     |

# ج

| Pronunciation                             | English  | محله ای                     | فارسی             |
|---|--|-----------------------------|-------------------|
| Chador,<br>Chodor                         | Veil   | چادر، چُدور                 | چادر              |
| Kherse<br>baghe shah,<br>Khiki            | Fat  | خرس باغ شاه، خیکی           | چاق               |
| Khik<br>shoda'n                           | To get fat   | خیک شدن                     | چاق شدن           |
| Fa'k za'da'n,<br>Chune<br>za'da'n         | Haggle   | فَک زدن، چونه زدن           | چانه زدن          |
| Cha                                       | Well, Pit  | چا                          | چاه               |
| Shashe<br>kha're<br>yuzbashi,<br>Abe zipo | Wishy washy<br>(tea)   | شاش خر یوزباشی،<br>آبِ زیپو | چای کمرنگ         |
| Chi chi be<br>juna'm<br>migi?             | Why are you<br>annoying me?                                  | چی چی به جونه<br>می‌گی؟     | چرا اذیت می کنی ؟ |
| A'ra'gh,<br>Dombe                         | Fat  | عرق، دُمبه                  | چربی              |
| Kur<br>munjuli,<br>A'ncchucha'k           | Someone who<br>has very small<br>eyes (an<br>offensive word) | کور مونجولی،<br>آنچوچَک     | چشم ریز           |
| Aien hara,<br>Babaghuli                   | Evil eye   | عَین هارَع، باباقولی        | چشم‌زخم           |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Prounciation       | English             | محله ای  | فارسی      |
|--------------------|---------------------|----------|------------|
| Cheshm<br>pela'sht | Lecher              | چشم پلشت | چشم ناپاک  |
| Chesh<br>cheruni   | Gloating            | چش چرونی | چشم چرانی  |
| Chugh              | Wood                | چوق      | چوب        |
| Cha' Ja'b          | What a<br>surprise! | چَعْ جَب | چه عجب     |
| Tishi              | What                | تی شی؟   | چی، چی چی؟ |
| Chiz, Chi          | Thing               | چیز، چی  | چیز        |
| Chenardun          | Chicken crop        | چناردون  | چینه دون   |

# ح

| Pronunciation                              | English                       | محله ای                  | فارسی                     |
|--|-------------------------------|--------------------------|---------------------------|
| Ha'ji, Haji                                | Hajji                         | حجی، حاجی                | حاجی                      |
| Nega'hdar,<br>Maghen                       | Protector                     | نگهدار، ماغن             | حافظ                      |
| Ala  | Now                           | آلا                      | حالا                      |
| Ha'zirut,<br>Asur                          | Forbidden                     | حریزوت، آسور             | حرام                      |
| Ma'mzer                                    | Bastard                       | مَمْزِر                  | حرامزاده                  |
| Hera'm o<br>hera's,<br>Ha'rūm o<br>ha'ra's | To forbid                     | حرم و حرس، حروم و<br>حرس | حرام کردن                 |
| Suzmuni                                    | To make<br>someone<br>nervous | سوژمونی                  | حرص دادن                  |
| Gha'hre<br>khorda'n                        | To get nervous                | قهره خوردن               | حرص خوردن                 |
| Lashun, Lu<br>bara                         | Don't speak,<br>Quiet         | لاشون، لو بارا           | حرف نزن                   |
| Moshe<br>ra'benu                           | Moses                         | مُشَهَّ رَبِّنُو         | حضرت موسی (آموزگار<br>ما) |
| Moshe ben<br>a'mram                        | Moses, son of<br>Amram        | مُشَهَّ بْنَ عَمْرَام    | حضرت موسی بن عمران        |
| Zekhut                                     | Ancestral merit               | زِخوت                    | حق و حقوق                 |
| Mirmadar                                   | Imposter                      | میرمادر                  | حُقه باز                  |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                 | English       | محله ای                        | فارسی                      |
|-------------------------------|---------------|--------------------------------|----------------------------|
| Emet                          | Truth         | امت (یکی از کنیه‌های نام اعظم) | حقیقت                      |
| Kasher                        | Halal, Kosher | کاشر                           | حلال                       |
| A'mum                         | Bath house    | آموم                           | حمام                       |
| Ha'na, A'na                   | Hanna         | حنا، عنا                       | حنا                        |
| Gulu                          | Larynx        | گولو                           | حنجره                      |
| Yeshiva                       | Seminary      | پیشیوا                         | حوزه علمیه، دانشسرای مذهبی |
| Ole                           | Towel         | الله                           | حوله                       |
| Ghedife,<br>Ole A'mum         | Bath towel    | قدیفه، الله آموم               | حوله حمام                  |
| Heyf, Eyf                     | Pity          | حیف، ایف                       | حیف                        |
| Heyvun,<br>Eyvun,<br>Juneva'r | Animal        | حیوان، ایوون، جونور            | حیوان                      |

# خ

| Pronunciation                                       | English  | محله ای                                  | فارسی             |
|---|--|--|-------------------|
| Mola,<br>Hakham                                     | Rabbi  | مُلا، حاخام                              | خاخام             |
| Sha'mmash   | Servant of the<br>synagogue                                | شَماش                                    | خادم کنیسا        |
| Birun   | Out  | بیرون                                    | خارج              |
| Kape<br>Yoghli                                      | Shame on<br>someone  | کَپه یوغلی                               | خاک بر سر         |
| Ka'kh sa'ret<br>kona'n,<br>Khak tu<br>sa'ret kona'n | Shame on you   | کَخ سَرِتْ کُنَن، خاک<br>تو سَرِتْ کُنَن | خاک بر سرت        |
| Khakesa'r   | Ash  | خاکِسر                                   | خاکستر            |
| Tokhm   | Testicule  | تُخُم                                    | خایه              |
| Kunlis  | Servile flattery   | کون لیس                                  | خایه مال و چاپلوس |
| Mila  | Circumcision   | میلا                                     | ختنه              |
| Brit milla,<br>Milla konun                          | Circumcision<br>ceremony                                   | بریت میلا، میلا کُنُون                   | ختنه سوران        |
| Mohel   | A person who<br>performs ritual<br>Jewish<br>circumcisions | موهل                                     | ختنه کننده، خاتن  |
| Ha'shem   | God  | هَشِيم (به معنی آن<br>نام)               | خدا               |
| Khoda refait<br>bede                                | God bless you  | خدا رِفائیت بده                          | خدا بہت برکت بدهد |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                                 | English                       | محله‌ای                         | فارسی               |
|---|-------------------------------|---------------------------------|---------------------|
| A'rusi she                                    | May God have mercy on someone | عروسي شه                        | خدا به خیر کند      |
| Vaveyla                                       | Oh my God                     | واویلا                          | خدای من             |
| Ha'mur  | Donkey                        | حَمُور                          | خر                  |
| Kha'rab,<br>Kha'ru                            | Spoiled                       | خراب، خَرَو                     | خراب                |
| Kha'rboze,<br>Kha'rboze                       | Melon                         | خربزه، خربوزه                   | خربزه               |
| Kha'rboze<br>kala'k                           | Unripe Melon                  | خربوزه کالک                     | خربزه نارس          |
| Khornas                                       | Laryngs                       | خُرناس                          | خرخره               |
| Khurde, ye<br>ka'm                            | Bit                           | خورده، یه کم                    | خرده                |
| Ha'muresh<br>kon                              | Cajole him/her                | حَمُورش گُن                     | خَرِش گُن           |
| Khurusche                                     | Small cock                    | خورو سچه                        | خُروس بچه           |
| Nun poshte<br>shishe mal,<br>kenes,<br>Khesis | Stingy                        | نون پشت شیشه مال،<br>کِنس، خسیس | خسیس                |
| Ba'ra'hut                                     | Dry                           | برهوت                           | خشک                 |
| Gezera  | Danger                        | گِزرا                           | خطر                 |
| Honagh,<br>Khonagh,<br>Honaghe<br>bad         | Shut up,<br>Suffocation       | حُنّاق، حُنّاق، حُنّاق<br>باد   | حَقْفَان، حَفَه خون |
| Khefe khun                                    | Suffocated                    | حِفَه خون                       | حَفَه               |
| Punim,<br>Panim                               | Shut him/her up               | پونیم، پانیم                    | حَفَه اش گُن        |
| Shute   | Fool                          | شوتہ                            | خل                  |
| Da'ha'n da're                                 | Yawn                          | دَهَن دَرَه                     | خمیازه              |
| Khemir  | Paste                         | خَمِير                          | خَمِير              |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                          | English                                | محله‌ای                      | فارسی                      |
|--|--|------------------------------|----------------------------|
| Khonok,<br>Khonuk                      | Cool                                   | خُنک، خُنوک                  | خنک                        |
| Ha'lum,<br>Khab                        | Sleep                                  | حَلوم، خَاب                  | خواب                       |
| Ha'lum,<br>Halun<br>ka'rda'n,<br>A'lum | To put someone<br>to bed               | حلوم، حالون کردن،<br>آلوم    | خوابانیدن                  |
| Sa'r ka'pe,<br>Ka'pe<br>ka'rda'n       | To sleep                               | سر کَپه، کَپه کردن           | خوابیدن، مردن              |
| Dada, Abaji,<br>Kha'a'r                | Sister                                 | دادا، آباجی، آبجی،<br>خَاعَر | خواهر، همشیره              |
| Dada                                   | Older sister                           | دادا                         | خواهر بزرگتر               |
| Cha'nim,<br>Tuba                       | Good                                   | چَعنیم، طوبا                 | خوب                        |
| Gole                                   | Good                                   | گُله                         | خوب و پاک بودن             |
| Khub a'h                               | It's good                              | خوبه                         | خوب است                    |
| Tovaee                                 | Goodness                               | طُوايى                       | خوبی                       |
| Khonaz                                 | Selfish                                | خُناز                        | خودخواه                    |
| Shabiza'k<br>ha'va<br>mikone           | Someone<br>pretends to be<br>penniless | شَابِيزَك هوا می کنه         | خودش را به نداری<br>می زند |
| Khodem                                 | Myself                                 | خودِم                        | خودم                       |
| Abe zimpo                              | Insipid food                           | آبِ زیمپو                    | خوراک بی مزه               |
| Pirisida'n                             | To eat                                 | پیریسیدن                     | خوردن                      |
| Zi ya'm<br>ma'tin,<br>zikhre<br>metim  | To eat                                 | زی یَم مَتین، زیخره<br>متیم  | خوردن (کوفت کردن)          |
| La't o par,<br>Leh o peh               | Crushed                                | لَت و پار، لِه و پِه         | خورد و خمیر                |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                                  | English   | محله‌ای                           | فارسی       |
|--|-----------|-----------------------------------|-------------|
| Ba'khte sefid,<br>Ma'zal tov,<br>Ba'khte sa'bz | Fortunate | بختِ سفید، مَزَال طُو،<br>بخت سبز | خوشبخت      |
| Khodayar                                       | Lucky     | خدایار                            | خوش شанс    |
| Cha'nim,<br>Ma'ghbul,<br>Sa'na'mba'r           | Beautiful | چَعنِيم، مَقْبُول،<br>صَنَمَبر    | خوشگل، زیبا |
| Mishpakha,<br>Ka's o kar                       | Relative  | میشپاخا، کَس و کار                | خویشاوند    |
| Purim<br>Sha'hurim                             | Mistake   | پوریم شَهوریم                     | خیطی        |

د

| Pronunciation                      | English                   | محله ای                  | فارسی                      |
|------------------------------------|---------------------------|--------------------------|----------------------------|
| Viakamun,<br>viash<br>bekamun      | To Give                   | ویاکامون، ویاش<br>بکامون | دادن                       |
| Deva                               | Medicine                  | دوا                      | دارو                       |
| Devakhune                          | Drug store                | دواخونه                  | داروخانه                   |
| Hatan,<br>Dumad                    | Groom                     | حاتان، دوماد             | داماد                      |
| Fa'mida'n,<br>Dunesa'n             | To know                   | فَمِيْدَن، دُونِسَن      | دانستن                     |
| Shofet                             | Judge                     | شوفِط                    | داور                       |
| David                              | David                     | داوید                    | داوود                      |
| Gerd, Darie                        | Tambourine                | گِرَد، دارِیه            | دایره                      |
| Ma'drese                           | School, High<br>school    | مدرسه                    | دبستان، دبیرستان،<br>مدرسه |
| Dokhta'ra'k,<br>Sa'bia,<br>Ba'tula | Daughter                  | دخترک، سبیا، بَتُولا     | دختر                       |
| Dokhta'r<br>ba'chie,<br>Ba'chea'k  | Small girl                | دختر بچیه، بَچه‌آک       | دختر بچه                   |
| Ba'tula                            | Unmarried girl            | بَتُولا                  | دختر شوهر نکرده            |
| Derdu                              | Gadabout                  | دردو                     | ددَری                      |
| Ezida'n                            | Run away                  | ازیدن                    | دررفتن                     |
| Gheft                              | Close the door<br>tightly | غفت                      | در بستن                    |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                     | English                            | محله‌ای               | فارسی             |
|-----------------------------------|------------------------------------|-----------------------|-------------------|
| Pish ka'rda'n                     | Half closed door                   | پیش کردن              | در بستن (نیمه)    |
| Da'va<br>da'rmun,<br>Da'rmun      | Remedy                             | دوا درمون، درمون      | درمان             |
| Shegher,<br>Chakhan               | Lie                                | شِقِر، چاخان          | دروغ              |
| Durughgu,<br>Shegher<br>shegharim | Liar                               | دوروغگو، شِقِر شقاریم | دروغگو            |
| Haduri,<br>Aduri                  | Untruth                            | هادوری، آدوری         | دروغی             |
| Ga'nav                            | Thief                              | گُناو                 | دزد               |
| Pa'le,<br>Pa'sa'le                | Stealth                            | پَلَه، پَسَلَه        | دزدکی             |
| Leftolis                          | Steal                              | لِفت و لِیس           | دزدی (بالا کشیدن) |
| Kume<br>doshma'n                  | Something is wished by one's enemy | کوم دشمن              | دشمن‌کام          |
| Doshmun,<br>Doshmum               | Curse                              | دُشمن، دُشموم         | دشنام             |
| Khak be sa'r                      | Shame on him/her                   | خاک به سر             | نوعی دشنام        |
| Gise to be cheshmet<br>beba'nda'n | A kind of curse to a woman         | گیس تو به چشمت بیندن  | دشنام به زنی دادن |
| Berakha<br>ka'rda'n               | To pray, To bless                  | براخا کردن            | دعا کردن          |
| Nevarekh                          | Grace after meals                  | نوارخ                 | دعای بعد از غذا   |
| Omma                              | Marasmus                           | اوما                  | دق                |
| Shahik                            |                                    | شاهیک                 | دکمه پیراهن       |
| Shahi                             | Coat button                        | شاهی                  | دکمه کت           |
| Neshamaie                         | Pleasant                           | نشامایی               | دلپذیر            |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation   | English                       | محله‌ای                                       | فارسی          |
|---|-------------------------------|---|----------------|
| Seghle siah,<br>Seghle sa'rd,<br>Pichesh                | Stomachache                   | ثقلِ سیاه، ثقلِ سرد،<br>پیچش                  | دل درد، روکل   |
| Del mala'k,<br>Del hezar<br>rah mire                    | Agitation                     | دل مالک، دل هزار<br>راه میره                  | دل شوره        |
| Dava'nd   | Damavand<br>mountain          | داوند   | دماؤند         |
| Doma'l,<br>Duma'l                                       | Abscess                       | دُمل، دومَل                                   | دُمل، کورَک    |
| Nama'hrim   | Far                           | نامحریم                                       | دور            |
| Doieda'n  | Running                       | دوییدن  | دویدن          |
| Cherida'n   | To see                        | چریدن   | دیدن           |
| Diru  | Yesterday                     | دیرو  | دیروز          |
| Gha'nd bad,<br>Kha'fa'ghan                              | Diphtheria                    | قندباد، خفقاران،<br>خنازیل                    | دیفتری / حوناق |
| Daat, Din   | Religion                      | دین، دات                                      | دین            |
| Divar, Difar  | Wall                          | دیوار، دیفار                                  | دیوار          |
| Kotel<br>ha'ma'ravi                                     | Western wall,<br>Wailing wall | کوتل هَمَراوی                                 | دیوار نُدبه    |
| Ma'shu madi,<br>Meshuga<br>(Mishuga),<br>Divune, Diyune | Crazy                         | مشو مادی، مشوگا<br>(میشوگا)، دیوونه،<br>دیونه | دیوانه         |

# ذ

| Prounciation         | English                | محله ای       | فارسی                |
|----------------------|------------------------|---------------|----------------------|
| Sine pa'lu           | Pneumonia              | سینه پَلو     | ذات الریه، سینه پهلو |
| Shohet               | Slaughter man          | شوحِط         | ذابح                 |
| Shehita,<br>Borida'n | Slaughter              | شحیطا، بُریدن | ذبح                  |
| Shehita              | Ritual<br>slaughtering | شحیطا         | ذبح حلال             |

| Pronunciation                               | English                        | محله ای                       | فارسی              |
|---|--------------------------------|-------------------------------|--------------------|
| Rase  | Fillet                         | راسه                          | راسته              |
| Sameyah<br>bekhelko,<br>Sameyah<br>behelgho | Satisfied with<br>his/her fate | سامیح بِخلکو،<br>سامیح بِخلقو | راضی به سرنوشت خود |
| Nuzul                                       | Usury                          | نوزول                         | ربا                |
| Dad o ghal                                  | Bragging                       | داد و قال                     | رجخوانی            |
| Lekh  | To go                          | لخ                            | رفتن               |
| Pileva'r                                    | Darner                         | پیلهور                        | رفوگر              |
| Neshama                                     | Soul                           | نشاما                         | روح                |
| Shekhina                                    | Holy spirit                    | شِخينا                        | روح القدس          |
| Rutkhune                                    | River                          | روتخونه                       | رودخانه            |
| Meta'n Tora                                 | Torah given                    | مِتن تورا                     | روز اهدا تورات     |
| Sha'bate                                    | It's holiday                   | شَباته                        | روز تعطیله         |
| Ta'nit                                      | Fast                           | تعنیت                         | روزه               |
| Kippur                                      | Kippur fast                    | کیپور                         | روزه بزرگ یهودیان  |
| Rugha'n                                     | Oil                            | رووغن                         | روغن               |
| Dim, dime                                   | face                           | دیم ، دیمه                    | رو و چهره          |
| Leghmasi,<br>La'ghmasi                      | Weak and<br>sickly             | لَقِماسی، لِقِماسی            | ریقِماسی و شل      |
| Nasi  | Spiritual leader               | ناسی                          | رئيس جامعه یهودیان |

# ز

| Pronunciation                          | English               | محله ای                      | فارسی             |
|--|-----------------------|------------------------------|-------------------|
| Tera'kemun<br>za'da'n                  | Delivery              | ترکمون زدن                   | زاییدن            |
| Pa's a'dakhte                          | Give birth to         | پس انداخته                   | زاییده            |
| Lashun                                 | Tongue                | لاشون                        | زبان              |
| Za'buna'k,<br>Zebun<br>kuchike         | Larynx                | زبونک،<br>زبون کوچیکه        | زبان کوچک         |
| Pache va'r<br>malide                   | Old rogue             | پاچه ورمالیده                | زیل و شیطان       |
| Za'khm,<br>Tuvel                       | Wound                 | زخم، توول                    | زخم               |
| Ma'rgunda'n                            | To hit                | مرگوندن                      | زدن               |
| Horba, A'za<br>mata'm,<br>Nekhrat      | Ugly                  | حُربا، عَزَا ماتم،<br>نِخرات | زشت               |
| Shekle<br>sagha'k<br>immune            | Ugly person           | شکل ساقک می‌مونه             | آدم زشت رو        |
| Nashim,<br>Zunna,<br>Palunesh<br>ka'je | Prostitute            | ناشیم،<br>زوتا، پالونش کجه   | زن بدکاره، فاحشه  |
| Sa'bia                                 | Crazy woman           | سَبِيَا                      | زن دیوانه         |
| Shekle<br>Sa'bia,<br>Sa'biay           | Disorganized<br>woman | شکل سَبِيَا، سَبِيَّا        | زن شلخته و ژولیده |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation           | English                           | محله ای                             | فارسی  |
|-------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|--|
| Sekine<br>sepestun      | A shamelessly<br>immoral<br>woman | سکینه سهپستون                       | زن عربده کش، هرزه و<br>بی تربیت                  |
| Ha'rum zade             | Bastard                           | حرومزاده                            | زنزاده   |
| Nashim                  | Women                             | ناشیم                               | زنان   |
| Chune,<br>Zena'khdun    | Chin                              | چونه، زنخدون                        | زنخدان   |
| Ha'i, Kha'i             | Alive                             | حَىٰ، خَىٰ (یکی از<br>اسامی خداوند) | زنده   |
| A'ge mundi              | It never<br>happens for you       | اگه موندی                           | اگر زنده موندی و<br>نمردی، برای اتفاق<br>نمیافته |
| Khoda<br>biamorz        | The dead                          | خدا بیامُرْز                        | زنده یاد   |
| Ra'shdim,<br>Sha'dima'k | Not well<br>dressed woman         | رَشَدِیم، شَدِیمک                   | زن زشت و بد لباس                                 |
| Eshet hayil             | Ideal Jewish<br>woman             | إِشْتَهِيْل                         | زن نجیب و صالحه                                  |
| A'za mata'm             | Rickety,<br>Decrepit              | عَزَا مَاتَم                        | زوار دررفته                                      |
| Za'r                    | Poison                            | زَعَر                               | زَهر   |
| Za'ghna'but             | A kind of insult                  | زَغْنَبُوت                          | زهمرما (کوفت) - ناسزا                            |
| Za'le                   | Fear                              | ذَعْلَه                             | زَهره، ترسیدن                                    |
| Sa'rdab                 | Basement                          | سرداب                               | زیر زمین   |

ز

| Prounciation | English     | محله ای   | فارسی     |
|--------------|-------------|-----------|-----------|
| Jandarmeri   | Jendarmerie | جاندارمری | ژاندارمری |

# س

| Pronunciation              | English                       | محله ای            | فارسی                           |
|----------------------------|-------------------------------|--------------------|---------------------------------|
| Kubida'n,<br>Sabida'n      | Grounding                     | کوبیدن، سابیدن     | ساپیدن                          |
| Kubide,<br>Sabide          | Grounded                      | کوبیده، سابیده     | ساپیده                          |
| Beefe kur                  | Naive                         | بیف کور            | ساده‌لوح                        |
| Sara bat<br>Asher          | Serah, doughter<br>of Asher   | سارا بَت آشِر      | سارَه بَت آشِر                  |
| Shotorbun,<br>Sarebun      | Camel guide                   | شتربون، ساربون     | ساربان                          |
| Ber hatan                  | Groomsman                     | برحاتان            | ساقدوش داماد                    |
| Memun<br>khune             | Living room                   | مِمون خونه         | سَلْن                           |
| Sa'ba'da'k                 | Basket                        | سَدَك              | سبد کوچک                        |
| Sobok,<br>Subuk            | Light                         | سُبُك، سوبوک       | سبک                             |
| Kuze                       | Pitcher                       | کوزه               | سبو                             |
| Siunit,<br>Maghen<br>David | Star of David,<br>Magen David | صیونیت، ماغن داوید | ستاره شش پر داودی،<br>سِپر داود |
| A'vet ulam                 | suffer                        | عَوْيَت عَوَّلَم   | سختی کشیده                      |
| Bolbola'kch<br>e           | Spokesman                     | بُلبلَك چه         | سخنگو                           |
| Sa'latun                   | Cancer                        | سَلاطون            | سرطان                           |
| Veylun o<br>velamun        | Wandering                     | وِيلون و ولامون    | سرگردان                         |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation   | English                | محله‌ای   | فارسی                          |
|---|------------------------|---|--------------------------------|
| Solfe   | Cough                  | سُلفه   | سرفه                           |
| Chaeeda'n   | To catch cold          | چاییدن  | سرما خوردن                     |
| Za'm ba'rid,<br>Za'mha'rit,<br>Za'mha'rir                         | Extremely cold         | زم بَرید، زَمْهَرِيت،<br>زمَهْرِير              | سرمای شدید                     |
| A'la'k  | Riddle                 | آلک   | سرند                           |
| Pishuni<br>nevesht  | Fortune                | پیشونی نوشت                                     | سرنوشت                         |
| Sa'lt   | Bucket                 | سَلط  | سطل                            |
| Da'lv   | Leather bucket         | دَلو  | سطل چرمی                       |
| Kheshte<br>mirzaeem,<br>Sefte segha't,<br>Kheshte<br>Mirza Ha'iim | Hard                   | خشت میرزا تیم،<br>سِفت سِقت، خشت<br>میرزا حَییم | soft                           |
| Seuda   | A festive meal         | سِعُودا   | سفره مهمانی                    |
| Kuft begiri   | Get Syphilis           | کوفت بگیری                                      | سفلیس بگیری                    |
| Tonge bolur,<br>Gholombe<br>noghre                                | Fair-skinned           | تنگِ بلور، قلمبه نقره                           | سفیدرو                         |
| Bolure<br>barfeta'n   | Fair-skinned<br>person | بلورِ بارفَتن                                   | آدم بسیار سفید                 |
| Az baresh<br>ra'ft  | Miscarriage            | از بارش رفت                                     | سقط                            |
| Eskeje  | Hickup                 | اسکِجه  | سکسکه                          |
| Kelev   | Dog                    | کلُو  | سگ                             |
| Shalom  | Greeting               | شَالَم  | سلام                           |
| Shalom<br>a'leichem   | Greeting               | شَالَم عَلِيَّخِم                               | سلام علیکم                     |
| Gha'bale  | Marriage<br>agreement  | قباله   | سنده                           |
| Shetar,<br>Sha'tar  | Engagement<br>contract | شِطار، شَطَار                                   | سنده اولیه ازدواج یا<br>نامزدی |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation             | English                 | محله‌ای          | فارسی             |
|---------------------------|-------------------------|------------------|-------------------|
| Esgha'ndil,<br>Segha'ndil | Gizzard                 | اسقندیل، سِقندیل | سنگدان            |
| Ash                       | Soup                    | آش               | سوب               |
| Shafuta'k                 | Whistle                 | شاوتک            | سوت               |
| Chezida'n                 | To simmer with<br>anger | چزیدن            | سوختن             |
| Birin,<br>Sulakh          | Hole                    | بیرین، سولاخ     | سوراخ             |
| Suza'na'k                 | Gonorrhea               | سوزنک            | سوزاد             |
| Shevua,<br>Gha'sa'm       | Outh                    | شووعا، قسم       | سوگند             |
| Murune<br>tuye tir        | To touch a raw<br>nurve | مورونه توی تیر   | سوهان روح کسی شدن |
| Kuen                      | Kohen                   | کوئن             | سید               |

# ش

| Prounciation         | English                   | محله ای                     | فارسی                                     |
|----------------------|---------------------------|-----------------------------|---|
| Ta'llit              | Jewish prayer shawl       | طلیت                        | شال دعا برای مردان (صیصیت)                |
| Ha'rfe mof           | Gossip                    | حرف مفت                     | شایعه                                     |
| Shajana'k            | Gossipmonger              | شاجانک                      | شایعه پرداز                               |
| Yeshivaee, Yeshuvaee | Stay up all night praying | پیشیوایی، پیشووایی          | شب آحیا (تا صبح نشستن و تورات قرائت کردن) |
| Mishe                | Possible                  | می شه                       | شدنی است                                  |
| Yaeen                | Wine                      | یاین                        | شراب                                      |
| Ha'lakha             | Jewish law                | هلالخا                      | شرع                                       |
| Sa'rginam            | Restive                   | سرگینام (دارای افکار جهنمی) | شرور                                      |
| Shuse, Shose         | Washed                    | شوسه، شُسنه                 | شسته                                      |
| Shidim               | Evil-looking              | شیدیم                       | شكل و حشتناک                              |
| Sirabi               | Intestine                 | سیرابی                      | شکمبه                                     |
| Shoma, Shuma         | You                       | شما، شوما                   | شما                                       |
| Sejel a'hval, Sejel  | I.D.                      | سِجل احوال، سِجل            | شناسنامه                                  |
| Sha'bbat             | Saturday                  | شَبات                       | شنبه                                      |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Prounciation           | English       | محله‌ای       | فارسی   |
|------------------------|---------------|---------------|---------|
| Sheved                 | Dill          | شِوَد         | شوید    |
| Shuva'r                | Husband       | شُوور         | شوهر    |
| Sha'rbani              | Police office | شَرْبَانِي    | شهربانی |
| Ba'la'die              | Municipality  | بَلَدِيَّة    | شهرداری |
| Feshari, Pa<br>shir    | Faucet        | فشاری، پاشیر  | شیر آب  |
| Satan                  | Satan         | ساطان         | شیطان   |
| Jun juna'k<br>ka'nda'n | Naughtiness   | جون جونک کندن | شیطنت   |

# ص

| Pronunciation     | English              | محله ای             | فارسی             |
|-------------------|----------------------|---------------------|-------------------|
| Saab              | Owner                | صااب                | صاحب              |
| Seba              | Morning              | صِبا                | صبح               |
| Na'meshtan        | Keep it under wraps  | نَمِشْتَان          | صدایش را در نیاور |
| Sedagha,<br>Misva | Charity,<br>Donation | صِدَاقَة، مِيَصُوَا | صدقة              |
| Za'rdab           | Bile                 | زَرَدَاب            | صفرا، کیسه صفرا   |
| Shalom            | Peace                | شَالَم              | صلح               |
| Ja'be             | Box                  | جَعْبَه             | صندوق             |

# ض

| Prounciation         | English                  | محله‌ای       | فارسی          |
|----------------------|--------------------------|---------------|----------------|
| Surer                | Anti-semitic,<br>Fanatic | سورِر         | ضد یهود، متعصب |
| Domba'k              | Drum                     | دُمبَك        | ضرب (تُبَك)    |
| La jun,<br>Cha'lghur | Scrawny                  | لاجون، چَلغور | ضعیف و لاغر    |

# ط

| Pronunciation      | English           | محله ای          | فارسی               |
|--------------------|-------------------|------------------|---------------------|
| Duluche            | Small bowl        | دولوچه           | طاس کوچک            |
| Ra'fa'k            | Shelf             | رَفَك            | طاوچه               |
| Esbol, Espol       | Splene            | إِسْبُل، إِسْپُل | طحال                |
| Tenaf              | Cord, rope        | طِناف            | طناب                |
| Tifun              | Storm,<br>Typhoon | تیفون            | طوفان               |
| Megila,<br>Meghila | Scroll            | مِگِيلا (مقِيلا) | طومار، نوشته طولانی |

# ظ

## حرف (ظ)

|                   |       |             | حرف (ظ) |
|-------------------|-------|-------------|---------|
| A'ghsar,<br>Rasha | Cruel | أقصار، راشا | ظلالم   |
| Zor, Nahar        | Noon  | ظر، ناهار   | ظهر     |

# ع

| حُرف (ع)                           |                          |   |                                  |
|------------------------------------|--------------------------|---|----------------------------------|
| Nida                               | Menstruation             | نِيَّدَا                                | عادت ماهیانه زنان                |
| Hakham,<br>Khakham                 | Rabbi, Sage,<br>Wise man | حَاخَامٌ، خَاخَامٌ                      | عَاقِلٌ                          |
| Olam ha-ba                         | The world to<br>come     | عَوْلَمٌ هَبَّا                         | عَالَمٌ بَاقِيٌّ، آخِرَتٌ        |
| Olam Ha-<br>zeh                    | This world               | عَوْلَمٌ هَذِهٌ                         | عَالَمٌ فَانِيٌّ، اِيْنِ دُنْيَا |
| Gha'bala,<br>Ka'bala               | Jewish<br>mysticism      | قَبَالَا (كَبَالَا)                     | عِرْفَانٌ يَهُودِيٌّ             |
| Shekhar                            | Alcoholic drink          | شَخَارٌ                                 | عَرْقٌ (نوشیدنی الکلِي)          |
| Ka'lla                             | Bride                    | كَلَّا                                  | عَرْوَسٌ                         |
| Melakh<br>Ha'mavet                 | Angel of death           | مِلَّا خَـ هَمَـاوت (مِلَّـا<br>الموت)  | عَزْرَائِيلٌ                     |
| Naz shotori,<br>Gha'mze<br>ghateri | Coquetry                 | نَازٌ شَتَرِيٌّ، غَمْزَهٌ<br>قَاطِرِيٌّ | عَشْوَهٌ                         |
| Ghurub,<br>A'sr                    | Afternoon                | غَورُوبٌ (غَرَوْبٌ)، عَصْرٌ             | عَصْرٌ                           |
| Ketubah                            | Marriage<br>contract     | كِتُوبَا                                | عَقْدَنَامَهٌ                    |
| Hokhma,<br>Khokhma                 | Wisdom                   | حُخْمَاء، حُخْمَاء                      | عَقْلٌ                           |
| Ha'khamim                          | Wise men,<br>Rabbis      | حَخَامِيْم                              | عُقَلَاءٌ                        |
| A'sk                               | Picture                  | عَسْكٌ                                  | عَكْسٌ                           |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| حروف (ع)                         |                                      |                         |                       |
|----------------------------------|--------------------------------------|-------------------------|-----------------------|
| Ka'ng ke lus                     | Handicap                             | کنج که لوس              | علیل شدن              |
| Nime o<br>nime lat               | A kind of curse<br>(You die soon)    | نیمه و نیمه لات         | عمر کامل نکنی (نفرین) |
| Amu                              | Uncle                                | عمو                     | عمو                   |
| Ame                              | Aunt                                 | عامه                    | عامه                  |
| Mued                             | Feast                                | موعد                    | عید                   |
| Muede suka                       | Fruit feast                          | موعد سوکا               | عيد سوکا              |
| Pesa'h,<br>Muede Pesa'h          | Passover                             | پسح، موعد پسح           | عيد فطیر              |
| Hag<br>sameah,<br>Chag<br>sameah | Happy<br>holidays,<br>festival Happy | حَگ ساميح، حَگ<br>ساميح | عيد مبارك             |

# غ

| Prounciation         | English                              | محله ای         | فارسی               |
|----------------------|--------------------------------------|-----------------|---------------------|
| Cha'po               | Plunder                              | چپو             | غارت                |
| Gorm                 | Adenite                              | گرم             | غده                 |
| Tumur                | Tumor                                | تومور           | غده لنفاوی          |
| Seghle samim         | Indigestable                         | ثقل سامیم       | غذای سنگین و دیرهضم |
| Gha'rbil             | Riddle                               | عربیل           | غربال               |
| Ga'ava               | Proud                                | گعوا            | غرور                |
| A'maz,<br>Mishi maz  | Strange                              | عَماز، میشی ماز | غريبه               |
| Ra'hisa,<br>Ra'khisa | Ritual washing                       | رَحِيسا، رخیسا  | غسل دادن            |
| Tevila               | Ritual<br>immersion of<br>women      | طِویلا          | غسل زنان            |
| Hima<br>mipirise     | To be grieved                        | هیما می پیریسه  | غضه می خورد         |
| Terefah              | Non Kosher,<br>Not ritually<br>clean | ترِفا           | غير کasher          |
| Guyim,<br>Pasul      | Non Jewish<br>person                 | گوئیم، پاسول    | غيريهودی            |

# ن

| Pronunciation                 | English         | محله ای                    | فارسی             |
|-------------------------------|-----------------|----------------------------|-------------------|
| Ba'dobira                     | Abusive         | بد و بیرا                  | فحش               |
| Morghe kipurit sha'm          | I'd die for you | مرغ کیپوریت شم             | 福德ایت بشوم        |
| Goshad, Pa'n                  | Wide            | گُشاد، پَن                 | فراخ              |
| Ya'bes va'ebara'kh, Va' eevra | Run away        | بَیِس وَئِبَرَخ، وَبِيورَا | فرار              |
| Vavra'h                       | Running away    | واورح                      | فرار کردن         |
| Bez                           | Run away        | بِز                        | فرار کن           |
| Yad o hush na'dashta'n        | Forget          | یاد و هوش نداشتن           | فراموش            |
| Shiva'n o vaveyla             | Misery          | شیون و واویلا              | فراوانی شوربختی   |
| Gha'dish za'n, Zakhar         | Son             | قدیش زَن، زاخار            | فرزنند پسر        |
| Shiva'n kon                   | Daughter        | شیون گُن                   | فرزنند دختر       |
| Melakh                        | Angel           | ملاخ                       | فرشته             |
| Ha'var                        | Scream          | هُوار                      | فریاد             |
| Zagha ma'ra                   | Scream          | زاقا مَرا                  | فریاد سهمگین      |
| Ani, Ani Uria                 | Poor            | آنی، آنی اوریا             | فقیر، گدا         |
| Ima'ke                        | Someone, Fellow | ایمَکِ                     | فلانی، یارو، مردک |
| Konde kelus                   | Paralise        | کُنده کلوس                 | فلج               |
| Asemun, Cha'rke ga'rdun       | Sphere          | آسمون، چرخ گردون           | فلک               |
| Zudi                          | Immediate       | زودی                       | فوری              |

# ق

| Prounciation  | English                              | محله‌ای  | فارسی            |
|---|--------------------------------------|--|------------------|
| Dig   | Pan                                  | دیگ  | قابلمه           |
| Ghashogha' k  | Tea spoon                            | قاشقک  | قاشق چای خوری    |
| Ghabrestun, birun, Gha'bresun, Gurestun, Bete Ha'im | Cemetery                             | قبرستون، بیرون، قبرسون، گورستان، بت حییم (خانه زندگان) | قبرستان، گورستان |
| Leng deraz  | Tall                                 | لنگ دراز   | قد بلند          |
| A'malegh, Deylagh, Deylaghe maza'nda'ran            | Tall and idler, Gangling, Amalek     | عمالق، دیلاق، دیلاق مازندران                           | قد بلند بی خاصیت |
| Kua'h, Ghove  | Power                                | کووح، قوه  | قدرت، قوت، نیرو  |
| Tesa'dogh   | To die for someone                   | تصدق   | قربان صدقه رفتن  |
| Ha'lifi, Ka'para                                    | Sacrifice                            | حلیفی، کپارا   | قربانی           |
| Kapera'm shi  | A kind of insult<br>(You die for me) | کپرم شی  | قربونم برم       |
| Yede uba  | Loan                                 | پد عوبا  | قرض              |
| Purim   | Lots                                 | پوریم  | قرعه             |
| Ghesa'm   | Swear                                | قسَم   | قسم              |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                              | English  | محله‌ای   | فارسی                        |
|--|--|---|------------------------------|
| Be ha'ft<br>kenisa                         | A kind of swear  | به هفت کنیسا (اشاره به هفت کنیسا‌ای است که در محله عودلاجان وجود داشت). | یک نوع قسم                   |
| Morva,<br>Morvash                          | Fortune  | مُروا، مورواش   | قسمت، نصیب                   |
| Gholf                                      | Lock   | قُلف  | قفل                          |
| Cheft<br>ka'rda'n,<br>Gholf ka'rda'n       | To luck  | چفت کردن، قُلف کردن   | قفل کردن                     |
| Ghompol                                    | Bluff  | قُمپل   | قُمپز - فخر و مبارزات بیهوده |
| Ghurbaghe,<br>Va'za'gh,<br>Ghuvaghe        | Frog   | قریباغه، وزغ، قوواغه  | قریباغه                      |
| Moshte da'me<br>kuni, Moshte<br>pa'se kuni | Kick in the pants,<br>One difficulty<br>added to another | مشت دم کونی، مشت پس کونی  | قوز بالا قوز                 |
| Gha'hr o<br>ta'hr                          | Angry  | قهر و تهر   | قهر و غضب                    |
| Ha'ra't olam                               | Day of<br>judgement                                      | هَرَت عولام   | قيامت                        |

# ل

| Prounciation           | English                | محله ای                                | فارسی          |
|------------------------|------------------------|--|----------------|
| Ma'hshava              | Nightmare              | مَحْشَاوَا                             | کابوس          |
| Khak sa'r<br>ka'rda'n  | To do bad<br>things    | خاک سر کردن                            | کار بد کردن    |
| Hika<br>ka'rda'n       | To make meat<br>kosher | هِيكَا كردن                            | کاشر کردن گوشت |
| Ba's,<br>Ma'spik       | Enough                 | بس، مَسْبِيك                           | کافی           |
| Ba'sembute<br>ma'rgete | It's enough for<br>you | بَسِمْبُوتِ مَرْگِتَه                  | کافی است       |
| Koha'n                 | Cohen, Priest          | كُهَن (اسلاف هارون<br>برادر حضرت موسی) | کاهنان معبد    |
| Koha'n<br>gadul        | Great priest           | كُهَن گادول                            | کاهن بزرگ      |
| Kaoo                   | Lettus                 | كائو                                   | کاهو           |
| Sefer Tura             | Torah scroll           | سِفِر تورا                             | کتاب تورات     |
| Siddur                 | Jewish prayer<br>book  | سيدور                                  | کتاب نماز      |
| Lecha'r                | Dirty                  | لِچَر                                  | کثیف           |
| Kuja                   | Where                  | كوجا                                   | کجا            |
| Kedu                   | Squash                 | كدو                                    | کدو            |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                  | English  | محله‌ای              | فارسی  |
|--------------------------------|--|----------------------|--|
| Dukhan                         | An elevated platform in synagogue  | دوخان                | کرسی خطابه، منبر                               |
| Kere                           | Butter   | کره                  | کره  |
| Kha'rab,<br>Kesat              | Bad business   | خراب، کسات           | کساد   |
| Tofe sa'r<br>bala              | Someone does something wrong and it brings a harmful result to him/her, like boomerang | تُف سر بالا          | کسی که کار خطأ انجام می دهد و خودش ضرر می کند. |
| Sa'ghe siah                    | His/Her curses come true   | سَقِ سیاه            | کسی نفرین کند و همان اتفاق افتد                |
| Kuzunda'n                      | To kill  | کوزوندن              | کُشن   |
| Ka'ppara                       | Atonement  | کَپارا               | کفاره  |
| Give                           | Cotton shoe  | گیوه                 | کفش نخی  |
| Zaghi,<br>Kelagh               | Crow   | زاغی، کِلاغ          | کلاغ   |
| Kola                           | Cap  | کُلا                 | کلاه   |
| Kippa                          | Skullcap worn by Jewish males  | کِپا                 | کلاه شرعی (سرپوش مردان)                        |
| Kelit                          | Key  | کِلیت                | کلید   |
| Ka'munche,<br>Kemunche         | Persian violin   | کِمونچه، کِمونچه     | کمانچه   |
| Ye khurde,<br>Yeka'mi          | A little   | یه خورده، یه کمی     | کمی  |
| Guruz pa,<br>Kotole<br>vaveyla | Dwarf  | گروز پا، کُتل واویلا | کوتوله   |
| Baba ghuri<br>'Baba ghuli      | Blind  | بابا قوری، بابا قولی | کور  |
| Ghel ghela'k                   | Jug  | قل قلک               | کوزه   |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                     | English                     | محله‌ای                   | فارسی             |
|-----------------------------------|-----------------------------|---------------------------|-------------------|
| Vebba                             | Syphilis                    | وِبا                      | کوفت              |
| Zi ya'm<br>ma'tin,<br>Za'ghna'but | To eat (An<br>insult)       | زی یم متین،<br>زَغْنَبُوت | کوفت کردن (خوردن) |
| Kone                              | Worn out                    | گُنه                      | کهنه              |
| Kone<br>ba'chie                   | Diaper                      | گُنه بَچِيه               | کهنه بچه          |
| Kir, Dul                          | Penis                       | کیر، دول                  | کیر               |
| Kine shotori                      | Revengeful,<br>deep rancour | کینه شُرُّتی              | کینه توز          |

# گ

| Pronunciation              | English                      | محله ای       | فارسی                  |
|----------------------------|------------------------------|---------------|------------------------|
| Gow                        | Cow                          | گو            | گاو                    |
| Ani be ga'va               | Beggar                       | آنی به گعوا   | گدای گردن کلفت و مغورو |
| Guzashta'n                 | To put                       | گوذاشتن       | گذاشتن                 |
| Ga'rt, Ga'rd               | Powder                       | گرت، گرد      | گرد                    |
| Goshne                     | Hungry                       | گشنه          | گرسنه                  |
| Kume<br>doshma'n<br>na'shi | Hope you don't<br>get caught | کومِ دشمن نشی | گرفتار نشی             |
| Shiva'n                    | Crying                       | شیون          | گریه                   |
| Vaz ka'rda'n               | To open                      | واز کردن      | گشودن                  |
| Ha'rf za'da'n              | Speak                        | حرف زدن       | گفت و گو               |
| Gelu                       | Throat                       | گلو           | گلو                    |
| Gule na'kh                 | Skein                        | گوله نخ       | گلوله نخ               |
| A'bet                      | Lost                         | آیت           | گم شد                  |
| Avun                       | Sin-Fault                    | عاوون         | گناه                   |
| Avunkar                    | Sinner                       | عاوون کار     | گناهکار                |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Prounciation      | English          | محله ای          | فارسی            |
|-------------------|------------------|------------------|------------------|
| Avun billy o tara | Unforgivable sin | عاون بیلی و تارا | گناه نابخشودنی   |
| Yashani           | Treasure         | یاشانی           | گنج              |
| Guz fa'ndoghi     | To fart          | گوز فندقی        | گوزیدن (ریز ریز) |
| Ghop              | Cheek            | لُپ، قُپ         | گونه             |
| Keke, A'ghuzim    | Shit             | کِکه، آقوزیم     | گه               |
| Na'nu, Ga'vare    | Cradle           | نَو، گواره       | گهواره           |

# ل

| Pronunciation                   | English                     | محله ای                               | فارسی                                |
|---------------------------------|-----------------------------|---------------------------------------|--------------------------------------|
| Zari muri                       | To beg                      | زاری موری                             | لابه                                 |
| Sikhe sia,<br>Mahi dudi         | Tall and skinny             | سیخ سیاه، ماهی<br>دوڈی                | لاغر و دراز                          |
| Chosa'nbak,<br>Aghaye chos      | He/She boasts               | چُسَنْبَک، آقای چُس                   | لاف میزند                            |
| Ra'kht                          | Dress                       | رَخت                                  | لباس                                 |
| Palun sabide,<br>Aparti, Selite | Virago                      | پالون سابیده، آپارتی،<br>سلیطه        | لَجَاره، دریده                       |
| Kha'rre,<br>Leja'n              | Black mud                   | خَرّه، لِجَن                          | لَجَن                                |
| Ra'khte<br>khab                 | Quilt & bed                 | رختِ خواب                             | لحاف و تشك                           |
| Lokht, Lokh                     | Bare                        | لخت، لُخ                              | لُخت                                 |
| Legha'd                         | Kick                        | لِقد                                  | لگد                                  |
| Legha'd<br>mordeshur            | Making sure<br>someone dids | لَقْت (لِقد) مرده شور<br>حصول اطمینان | لگد زدن به مرده برای<br>حصول اطمینان |

# مر

| Prounciation                    | English                             | محله ای                             | فارسی                        |
|---------------------------------|-------------------------------------|-------------------------------------|------------------------------|
| Nana,<br>Na'ne, Nene            | Mother                              | نانا، ننه، نه نه                    | مادر                         |
| Bibim tugur                     | I swear on my<br>mother's grave     | بی بی م تو گور                      | به جان مادرم، مادرم<br>بمیرد |
| Bibi, Na'ne<br>agha,<br>Na'neji | Grandmother<br>(Father's<br>mother) | بی بی، ننه آقا، ننه<br>جی           | مادربزرگ (مادر پدر)          |
| Mani, Na'ne<br>diee             | Grandmother<br>(Mother's<br>mother) | مانی، ننه دایی                      | مادربزرگ (مادر مادر)         |
| Mada'r<br>shuva'r               | Husband's<br>mother                 | مادر شووَر                          | مادر شوهر                    |
| Mah, ma                         | Moon                                | ماه، ما                             | ماه                          |
| Numa                            | New moon                            | نوما                                | ماه نو                       |
| Mahi, Maee                      | Fish                                | ماهی، مائی                          | ماهی                         |
| Maytabe                         | Pan                                 | مای تابه                            | ماهی تاوه                    |
| Mahia'k                         | Small fish                          | ماهیک                               | ماهی کوچک                    |
| Mann                            | Manna<br>(heavenly food)            | مان (کنایه از غذای<br>بسیار خوشمزه) | مائده                        |
| Mazal Tov                       | Congratulation                      | مَزال طُو                           | مبارک باشد                   |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation             | English   | محله‌ای  | فارسی                            |
|---------------------------|---|--|----------------------------------|
| Ben purat yusef           | Masha Allah<br>(It may help protect them from the evil eye) | بن پورات یوسف                                  | ماشالله                          |
| Ma'ye metim, Mele metim   | Very weak   | میه مِتیم، مِلِه مِتیم                         | مثل مردہ                         |
| Beppa                     | Protect   | بِپا   | محافظ                            |
| Khoda nega'hdaret bashe   | God be with you   | خدا نگهدارت باشه                               | محافظ شما باشد                   |
| Cha'polaghi               | To beat someone up  | چَپلاگی  | محکم زدن                         |
| Sa're chal                | Old Jewish quarter in Tehran                                | سَرِچال  | محله یهودیان (کلیمی‌ها)<br>تهران |
| Ya'vashi                  | Hidden  | یواشی  | مخفى                             |
| A'budodo Mesle abe a'male | To come and go non-stop                                     | ابودودو، مثل آب آماله                          | مدام در رفت و آمد بودن           |
| Zigha                     | Shit  | زیقا   | مدفوع                            |
| Din                       | Religion  | دین  | مذهب                             |
| Oulam ra'ft, Metid        | Died  | عولام رفت، متید                                | مرد                              |
| Sagha'k, Pinas ghula'k    | Crazy man   | ساقک، پیناس قولک                               | مرد دیوانه                       |
| merse                     | A rope to draw water from well                              | نام دخترانه، ریسمانی<br>برای برکشیدن آب از چاه | مرسه                             |
| Ha'shkelak                | Disorganized  | هَشْكَلَك                                      | مرد شلخته                        |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation   | English                                   | محله‌ای                                | فارسی   |
|---|---|--|---|
| Olam ra'fta'n,<br>Ma'tida'n,<br>Abe shema'<br>yisrael | To die                                    | عولام رفتن، متیدن،<br>آبِ شِمع ایسرائل | مُرْدَن                                       |
| Yaman   | Dead                                      | یامان                                  | مُرْدَه                                       |
| Ta'khte<br>munde                                      | Dead                                      | تخته مونده                             | مردَه، روی تخت مردَه<br>شویخانه مانده (نفرین) |
| Shurga  | Corpse-whasher<br>house                   | شورگا                                  | مردَه شورخانه                                 |
| Ta'khte<br>sheklet<br>beshura'n                       | Down with you                             | تخت شکلت بشورن،<br>دیمه شکلتو ببرن     | مردَه شوی شکلت را<br>ببرند                    |
| Metim   | Deads                                     | مِتیم                                  | مردَه‌ها                                      |
| Ta'b lazem<br>biri                                    | A kind of curse<br>- Hope you get<br>sick | تب لازم بیری                           | - سخت مريض بشى -<br>دشنام                     |
| Tehilim,<br>Mizmure<br>David                          | Psalm                                     | تهليليم، ميزموره داويد                 | مزامير داود                                   |
| Gheshe<br>Ora'f                                       | Tyrannical                                | قِشِه عُرَف                            | مستبد   |
| Da'rmunde   | Helpless                                  | درمونده                                | مستأصل  |
| Ma'val,<br>Khela                                      | Restroom                                  | موال، خلا                              | مستراح  |
| Mosel   | Purgative                                 | مُسِل                                  | مسهل  |
| Mizrah  | East                                      | میزراح                                 | شرق   |
| Suzmun  | Disaster                                  | سوزمون                                 | مصیبت   |
| Mighdash,<br>Bet<br>ha'mighdash                       | Holy Jewish<br>temple                     | میقداش، بت<br>همیقداش                  | معبد مقدس                                     |
| Nes   | Miracle                                   | نس                                     | عجزه  |
| Ma'gha'd,<br>Ma'gha't                                 | Anus                                      | معقد، معقت                             | معقد  |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation            | English   | محله‌ای        | فارسی                        |
|--------------------------|---|----------------|------------------------------|
| Dukun,<br>Dekun          | Shop, store   | دوکون، دِکون   | مغازه، دکان                  |
| Oodovadar,<br>Ure        | Arrogant  | اودوادار، اوره | مغرور                        |
| Cheleshte<br>khor        | Parasite<br>(person)  | چِلشته خور     | مفت خور                      |
| Ghebura                  | Grave   | قِبُورا        | مقبره                        |
| Ghodesh                  | Holly   | قُدِش          | قدس                          |
| Chargha'd<br>Chargha't ، | Veil, scarf   | چارقد، چارت    | مقنعه، روسری                 |
| Agha molla,<br>Amolla    | Mollah  | آقا ملا، آملا  | مُلا                         |
| Hanef                    | A person puts<br>himself/herself<br>under a person's<br>obligation for<br>his/her favor | حَانِف         | مِنْتَكِش                    |
| Khune                    | Home  | خونه           | منزل                         |
| Mu, Gis                  | Hair  | مو، گیس        | مو                           |
| Ole                      | Immigrant   | عوله           | مهاجر                        |
| Olia                     | Aliyah  | علیا           | مهاجرت یهودیان به<br>اسرائیل |
| Mehrie,<br>Merie         | Dowry   | مهریه، مِریه   | مهریه                        |
| Memun                    | Guest   | ممون           | مهمان                        |
| Michere                  | He/She knows  | میچره          | میفهمد                       |
| Ha'va's                  | Apetite   | هَوَس          | میل                          |
| Menesht                  | To wish   | منشت           | میل داشتن                    |

# ن

| Pronunciation                            | English                            | محله‌ای                  | فارسی                   |
|--|------------------------------------|--------------------------|-------------------------|
| Namez                                    | Inexpert                           | نامِز                    | نابَلَد                 |
| Ye ma'h shemo                            | To be destroyed                    | یه مَح شه مو             | نابود گردد              |
| Pela'sht, Tame                           | Unclean                            | پُلشت، طامِع             | ناپاک                   |
| Guel, Mashiyah                           | Messiah, Saviour                   | گوئل، ماشیح              | ناجی                    |
| To la'b ra'fta'n, Sa'rgoza'sht keshida'n | To get upset, To suffer, To endour | تو لب رفتن، سرگذشت کشیدن | ناراحت شدن              |
| Kal                                      | Unripe                             | کال                      | نارس                    |
| Pasul                                    | Non-kosher                         | پاسول                    | ناقص، غیر کاشر          |
| Shivan ka'rda'n                          | To groan                           | شیون کردن                | نالیدن                  |
| Zoleykha                                 | A ridiculous nickname for woman    | زُلیخا                   | نام تمسخرآمیز برای زنان |
| Arel                                     | Uncircumcised                      | عارض                     | نامختون                 |
| Ma'sa                                    | Matzo                              | مَصَا                    | نان فطیر                |
| Na'ghalus                                | Windpipe                           | نقالوس                   | نای، گلو                |
| Nivua                                    | Prophethood                        | نيووا                    | نبوت                    |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation  | English                       | محله‌ای   | فارسی                    |
|--|-------------------------------|---|--------------------------|
| Na'fshere  | Great grand child             | نَفْشِرَه   | نبیره                    |
| Geulah   | Redemption                    | گِئوْلا   | نجات                     |
| Tabide   | Curl string                   | تَابِيْدَه  | نخ بهم پیچیده            |
| Ka'sif   | Unclean                       | كَيْف   | نِجْس                    |
| Nedava,<br>Neder                                     | Pledge                        | نِداوا، نِدِر                                       | نذر                      |
| Mishpat<br>(Meshpat)                                 | Prostitute                    | مِيشِپاَط (مشِپاَط)                                 | نَسْمَه، روْسَى          |
| Yufna  | Buttocks                      | يُوفنا  | نشیمنگاه                 |
| Has ve<br>halila, Has<br>ve shalom                   | No way                        | حَاس وِ حَالِيَا، حَاس وِ شَالِم                    | نَعْذُوبَاللَّه          |
| Cherida'n  | To look, To watch             | چَرِيدَن  | نگاه کردن                |
| Becher   | Look!                         | بِچِر   | نگاه کن                  |
| Delvapa's  | Agitated                      | دَلْوَاض  | نگران                    |
| Vaveila a'ge<br>rast bashe,                          | Worry                         | وَاوِيلَا اَكَه رَاسْت بَاشَه<br>(کنایه از دلواپسی) | نگرانی                   |
| Lubar,<br>Na'meshta'n                                | Don't say                     | لَوْ بَار، لَمِشْتَنَ                               | نگو                      |
| Tefilla,<br>Yeshua                                   | Pray                          | تَفِيلَا، يِشُوعَا                                  | نماز، مناجات، دعا، عبادت |
| Arvit,<br>Ma'a'riv                                   | Night prayer                  | عَروِيْت، مَعَريْو                                  | نماز شب                  |
| Sha'ha'rit   | Morning prayer                | شَحرِيْت  | نماز صبح                 |
| Minha  | Evening prayer                | مِينحا  | نماز عصر                 |
| Ta'am, Dur<br>az jenabi<br>(Saving your<br>presence) | Salt                          | طَعَام، دور از جِنابِي                              | نمک                      |
| Sukhta'k<br>Endakhta'n                               | Don't play the<br>victim here | سوختک إِنْدَاخْتَن                                  | ننه من غریبم درآوردن     |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation | English               | محله ای    | فارسی    |
|---------------|-----------------------|------------|----------|
| Nuh, Nua'h    | Novah                 | نوح، نوئح  | نوح      |
| Neve          | Grand child           | نوه        | نوه      |
| Assur         | No                    | آسور       | نه       |
| Zohr, Nahar   | Lunch                 | ظهر، ناهار | نهار     |
| Neder         | Religious pledge, Vow | ندر        | نیت، نذر |
| Pik           | Pinch                 | پیک        | نیشگون   |
| Sa'digh       | Rightous one          | صدیق       | نیکوکار  |

و

| Prounciation      | English        | محله ای       | فارسی     |
|-------------------|----------------|---------------|-----------|
| Va, Vu            | Oh             | وا، وو        | وا        |
| Vay               | Oh God         | وای           | واحسرتا   |
| Ma'mashut         | Reality        | مَماشوت       | واقعیت    |
| Ma'gifa           | Cholera        | مَگِیفا       | وبَا      |
| Ha'st, Ha's       | He/she is here | هَسْت، هَس    | وجود دارد |
| Ga'njefe          | Playing card   | گَنجِفه       | ورق بازی  |
| Horba,<br>Kha'rab | Ruined         | حُرْبَا، خراب | ویران     |

| Pronunciation                      | English  | محله‌ای                    | فارسی  |
|------------------------------------|--|----------------------------|--|
| Pa'nela'k,<br>Ta'p o tos           | Simple-minded  | پِنلک، تَپ و تُس           | هالو   |
| Ouva'ng,<br>Khovin                 | Mortar   | اوونگ، خووین               | هاون   |
| Ma'ttana                           | Gift   | مَتانا                     | هدیه   |
| Ha'rja,<br>Sura'kh<br>sonbe        | Everywhere   | هرجا، سوراخ سنبه           | هرجا   |
| Echena'k,<br>Eshna'k               | Present<br>company<br>excluded                       | اِچنک، اِشنک               | هرچه نیک، تورا در میان<br>باشد، خطر دور از جان تو،<br>لفظ احترامآمیز |
| Tora-khal                          | Present<br>company<br>excluded                       | توراخال                    | هرچه نیک، تورای هِخال<br>در میان باشد                                |
| Moft bashe<br>golule joft<br>bashe | Give him<br>enough rope<br>and he'll hang<br>himself | مفت باشه گلوله<br>جفت باشه | هرچی مفته خوبه   |
| Sha'be Ekha                        | Never  | شبِ اخا                    | هرگز   |
| Da'riva'ri<br>gofta'n              | Hallucination  | دری وری گفتن               | هذیان  |
| A's, Ha's                          | Is   | أس، هَس                    | هست  |
| Hol, Ol                            | Push   | هُل، أُل                   | هُل  |
| Oulu                               | Peach  | اولو                       | هلو  |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                                       | English               | محله‌ای                                  | فارسی         |
|---|-----------------------|--|---------------|
| Khak tu sa'ri<br>(Irony), Jun<br>juna'k<br>ka'rda'n | Sexual<br>intercourse | خاک تو سری (به<br>طنز)،<br>جون جونک کردن | هم آغوشی، سکس |
| Munes   | Companion             | مونس                                     | همدم          |
| Ha'msade  | Neighbor              | همساده                                   | همسايه        |
| Yeki nemun<br>shi                                   | Drop dead             | یکی نمون شی                              | همه بمیرید    |
| Endune  | Watermelon            | اندونه                                   | هندوانه       |
| Ta'yare   | Airplane              | طیاره                                    | هوایپیما      |
| Shabe<br>Alama, Ich<br>va'gh                        | Never ever            | شب آلاما، ایچ وَقَ                       | هیچ وقت       |
| Cheshm<br>dama'n,<br>Cheshm<br>Pela'sht             | Ogler                 | چشم دامن، چشم<br>پلشت                    | هیز           |

# ی

| Prounciation               | English       | محله‌ای                      | فارسی             |
|----------------------------|---------------|------------------------------|-------------------|
| Zakhar                     | Rememberance  | زاخار                        | یادآوری           |
| Pa'ta'k                    | Note          | پتک                          | یادداشت           |
| Ritim                      | Orphan        | ریتیم                        | یتیم              |
| Ya'khe                     | Collar        | یخه                          | یقه               |
| Panima'k<br>panima'k       | Gradually     | پانیمک پانیمک                | یواش یواش         |
| Israel, Ben<br>abri, Juhud | Jewish        | ایسرائِل، بن عَبری،<br>جوهود | یهودی، کلیمی      |
| Mizrahi                    | Oriental Jews | میزراحی                      | يهودیان مشرق زمین |

# تڑاء Foods

| Pronunciation              | English                       | محله ای  | فارسی              |
|----------------------------|-------------------------------|--|--------------------|
| Abgusht                    | Meat broth                    | خوراک نخود – لوبیا<br>– گوشت – چغندر یا<br>گوجه فرنگی (دیزی) | آبگوشت             |
| Ashe shole gha'la'mkar     | A kind of pottage             | سبزی – گوشت<br>حبوبات – پیاز –<br>برنج                       | آش شله قلمکار      |
| Ashe ka'shk                | A kind of pottage             | سبزی – کشک –<br>حبوبات – پیاز –<br>برنج                      | آش کشک             |
| Ashe mast                  | A kind of pottage             | سبزی – ماست –<br>حبوبات – برنج                               | آش ماست (آش ماس)   |
| Berenje sikh               | Cooked rice                   | برنج پخته  | برنج سیخ           |
| Burani esfenag             | Dish of spinach               | اسفناج پخته –<br>ماست  | بورانی اسفناج      |
| Posht mazu                 | Tenderloin                    | گوشت ماهیچه (پشت<br>بازو گاو و گوسفند)                       | پُشت مازو          |
| Polo (Shole) sire za'rda'k | Traditional food for Saturday | خوراک شبات (هویج<br>ایرانی – لوبیا قرمز –<br>برنج)           | پلو (شله) سیر زردک |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                 | English             | محله‌ای  | فارسی             |
|-------------------------------|---------------------|--|-------------------|
| Polo keshmesh                 | Rice dish           | خوراک اعیانی همراه با خرما   | پلو کشمش          |
| Tas kabab                     | A kind of meat stew | تاس کباب   | تاس کباب          |
| Tokhme morghe sha'bati        | Boiled egg          | تخم مرغ پخته که در صبح شبات میل می‌شد.   | تخم مرغ شباتی     |
| Tudeli, gipa                  | Stuffed rumen       | گیپا، تودلی  | تودلی             |
| Chelo abgushte gondi          | Kind of broth soup  | آبگوشت – نخود – پیاز – گندی (کوفته با آرد نخودچی)  | چلو و آبگوشت گندی |
| Chelo ghorme sa'bzi           | A kind of stew      | گوشت – سبزی – لوبیا – لیمو عمانی – برنج  | چلو قرمه سبزی     |
| Chelo na'rgesi                | A kind of stew      | خورش نرگسی   | چلو نرگسی         |
| Hala, Khala, Kha'lla          | Challah             | نان سفید مخصوص سفره شب شبات – یکی از هدایای کاهنان در ایران رسم بود که روز آدینه به کاهنان مستمند نان "حالا" می‌دادند. "حالا" در واقع رسم تقدیم بخشی از خمیر نان به کاهنان در زمان قدیم بود. | حالا (حالا)، خلا  |
| Ha'legh                       | Charoset            | خوارکی ویژه شب پسح که مخلوطی از چند خشکبار است.  | حلق               |
| khara't,khey ra't,Kuku sa'bzi | A kind of omelette  | کوکو سبزی  | خارت، خیرت        |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                    | English                            | محله‌ای  | فارسی                      |
|----------------------------------|------------------------------------|--|----------------------------|
| Khorake sha'bat                  | Dish for Shabbat                   | خوراک شبات   | خوراک شباتی                |
| Khoreshte tokhm, Ghelie tokhm    | A kind of stew with egg            | خوراک مخصوص<br>پسح (سیب زمینی – پیاز – تخم مرغ)                  | خورشت تخم، قلیه تخم        |
| Khoreshte mosa'ma bademjun       | A kind of stew with eggplant       | خورش بادنجان<br>(گوشت – بادنجان)<br>سرخ شده – رب<br>(گوجه فرنگی) | خورشت مُسَما بامجمون       |
| Da'm pokht                       | Rice with herbs                    | پلو سبزی   | دَمْ پُخت                  |
| Da'mpukhta' k                    | Rice with herbs                    | کته همراه سبزی، دم پخت   | دَمْپوختَك                 |
| sirabi,Gipa                      | Tripe                              | گیپا   | سیرابی                     |
| Shefte                           | Meatball                           | گوشت چرخ کرده  | شفته                       |
| Shefte ka'du                     | Meatball with zucchini             | گوشت چرخ کرده – کدو  | شفته کدو                   |
| Shole                            | Pilaf                              | برنج – سبزی – شفته   | شُلَه                      |
| Shole mash ba shefte             | A kind of pilaf                    | برنج – ماش – گوشت چرخ کرده<br>تصورت کوفته ریز                    | شُلَه ماش با شِفته         |
| Shurba (Shurva)                  | Chorba (Shorba), a kind of pottage | گوشت – لپه – ماش – پیاز – برنج – سبزی                            | شوربا (شوروا)              |
| Ghelie bademjun, Shefte bademjun | A kind of stew                     | گوشت چرخ کرده – پیازداغ – رب گوجه فرنگی – بادنجان                | قلیه بامجمون، شفته بامجمون |
| Ka'bab barg                      | Kebab                              | کباب   | کباب برگ                   |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation      | English               | محله‌ای  | فارسی         |
|--------------------|-----------------------|--|---------------|
| Ka'bab<br>reyhun   | Kebab<br>(Koobideh)   | کباب کوبیده -<br>ریحان   | کباب ریحون    |
| Kotlet,<br>Shami   | Kotlet                | (گوشت چرخ کرده -<br>پیاز - سبزی زمینی)   | کتلت، شامی    |
| Kode, Kufte        | Dish for<br>Shabbat   | غذای شباتی شبیه<br>حلیم  | گُده، کوفته   |
| Kente              | Stuffed rumen         | خوراک تودلی شامل<br>برنج، لپه، زیره درون<br>شکمبه گوسفند   | کنته          |
| Gondi              | A kind of<br>meatball | غذای شب شبات -<br>شامی کباب - نوعی<br>کوفته مشکل از آرد<br>نخودچی، گوشت چرخ<br>کرده، پیاز و هل که<br>داخل آب مرغ پخته<br>می شود. | گُندی         |
| Gondi<br>berenji   | A kind of<br>meatball | گوشت چرخ کرده -<br>برنج - سبزی   | گُندی برنجی   |
| Gondi tove         | A kind of Cutlet      | گندی سرخ شده با<br>روغن (گوشت چرخ<br>کرده - هویج ایرانی<br>(زردک) - آرد<br>نخودچی - پیاز)  | گُندی تُوه    |
| Labdari            | A kind of soup        | برنج - سبزی زمینی<br>- هویج - مرغ  | لابداری       |
| Limura'k           | Dried lime<br>powder  | لیمو خشک کوبیده،<br>گرد لیمو   | لیمورَک       |
| Mahiche<br>seghulu | Chuck steak           | گوشت ماهیچه روی<br>کتف گاو   | ماهیچه سه قلو |
| Nimru              | Omlette               | نیمرو  | نیمرو         |

# توضیحات

## Supplementary Explanations

| Pronunciation               | English  | محله‌ای   | فارسی                 |
|-----------------------------|--|---|-----------------------|
| Anusim                      | Anusim is a legal category of Jews in halakha who were forced to abandon Judaism against their will, typically while forcibly converted to another religion. | یهودی که به ظاهر تغییر مذهب داده و در باطن یهودی مانده است. | آنوسی                 |
| Atzeret, Shemini Atzeret    | The eighth day of Sukkoth  | روز هشتم موعد، روز پایانی عید سایبان‌ها                     | ات زریت (شمینی عسیرت) |
| Adonai                      | My Lord (God)  | یکی از صفات پروردگار (به معنی آقای ما)                      | آدونای                |
| Eretz Yisrael               | Land of Israel   | ارض موعود   | اریتص ایسرائل         |
| Aron ha ghodesh (ha-kodesh) | It is a cabinet in the synagogue for keeping Torah scrolls.  | گنجینه تورات در کنیسا                                       | آرن هقدویش            |
| A'rbah peniyot ha'olam      | Four quarters of the world   | چهارگوشه جهان   | أربعٌ بُنيوت هَعولَم  |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation          | English  | محله ای   | فارسی             |
|------------------------|--|---|-------------------|
| Isreal                 | Twelve tribes of Isreal are devided in to three categories: Levi, Kohanim, Israel. | اسپاط دوازده گانه<br>قوم یهود به سه دسته تقسیم می شوند:                         | اسرائیل           |
| Ashkenazi              | Jews who lived in in Germany .century 9 <sup>th</sup>                              | لقب یهودیان آلمان<br>در قرن نهم که بعدها کنایه از همه یهودیان اروپا شد.         | اشکنازی           |
| Haggadah               | the story Telling of the Exodus from Egypt on the first two nights of Passover     | افسانه، عنوان داستان<br>های خیال انگیز و روایات افسانه‌آمیز<br>ادبیات یهود است. | آگادا، هَگَادا    |
| Citron (citrus medica) | This fruit is used Jews during by the holiday .Sukkot of                           | بالنگ، میوه‌ای که در ایام عید سایبان‌ها (سوکوت) استفاده می‌شود.                 | اترُق             |
| Ilanot                 | It is a Jewish holiday which is also called New Year of the Trees.                 | عید خشکبار و میوه چینان که همزمان با آغاز چرخش سالیانه زندگی درختان همراه است.  | ایلانوت           |
| Barukh da'yan ha emet  | " Blessed is the Judge of Truth"   | متبارک باد داور بحق، پناه بر خدا  | باروخ دیان هاِامت |
| Berakhah               | Blessing, A way counting Jews of   | برکت، دعا، ثنا، سپاس  | براخا             |
| Berakhah Gomel         | A blessing recited upon individual salvation from danger                           | دعای رفع خطر، برگشتن از سفر و شفا از بیماری.                                    | براخا گومل        |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                               | English  | محله‌ای   | فارسی                  |
|---|--|---|------------------------|
| Brit es-hagh<br>(brit<br>Yitzchak)          | It is customary<br>on the night<br>before a ritual<br>circumcision<br>(Berit Mila)<br>to read special<br>passages from<br>the Zohar. | رسم است شب قبل<br>از انجام مراسم ختنه،<br>یعنی شب هشتم،<br>قسمت هایی از کتب<br>مذهبی به ویژه روز<br>قرائت می شود. | بریت اسحق              |
| Ben A'bri                                   | Jewish people<br>(Ben = son)   | اولاد و فرزندان<br>یهودی (بن=ابن به<br>معنی پسر)  | بن عَبری               |
| Beheshtie                                   | Jewish cemetery<br>in Tehran   | گورستان یهودیان در<br>تهران، گورستان به<br>معنی عام.  | بهشتیه                 |
| Biur hames                                  | To remove all<br>chametz we own<br>before Passover<br>from home  | خارج کردن حامص از<br>منزل قبل از موعد<br>پسح.   | بیعور حامص             |
| Parasha                                     | Torah portion, A<br>weekly Torah portion<br>is read during prayer<br>services on<br>Saturdays.                                       | بخش هفتگی تورات<br>که به ترتیب هر روز<br>شنبه قرائت می شود.   | پاراشا                 |
| Petiha't<br>Hekhal<br>(Petihat<br>HaHechal) | The opening of<br>the Hechal<br>(place for keeping<br>Torah scrolls)   | بازکردن پرده جایگاه<br>تورات.   | پتیحت هِحال            |
| Pedi ya'ben<br>(Pidyon<br>haben)            | Ceremony of<br>redemption of the<br>first-born son, it is<br>attained by paying<br>silver coins to a<br>kohen                        | خرید نخست زاده از<br>کُهن.  | پدی یَبن (پیدیون هِبن) |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation     | English   | محله‌ای   | فارسی        |
|-------------------|---|---|--------------|
| Purim             | Lots, It is a Jewish holiday which commemorates the saving of the Jewish people from annihilation at the hands of an official of the Achaemenid Empire named Haman, as it is recounted in the Book of Esther. | قرعه، سال روز دستور خشایارشا هخامنشی برای نجات یهودیان از فرمان قتل عام نخست وزیرش. | پوریم        |
| Purimi            | Purim is celebrated among Jews by exchanging gifts of food and drink.   | هدیه پوریم  | پوریمی       |
| Pogrom            | An organized massacre of Jewish people in Russia or eastern Europe in the late 19th and early 20th centuries.   | کشتار دسته جمعی یهودیان – اصل لغت روسی است.   | پوگروم       |
| Terua             | Truah (alarm sound) is the third type of sound made by the shofar blower, and involves nine rapid fire, or staccato, blows.   | یکی از نواهای سه گانه شوفار (نه بار و با صدای شکسته و لرزش دار).                    | تروعا        |
| Teghia<br>(Tekia) | Tekiah is the first type of sound made by the shofar blower   | یکی از نواهای سه گانه شوفار (صدای یکنواخت و بدون لرزش).                             | تقییا (تکیا) |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation         | English  | محله‌ای   | فارسی   |
|-----------------------|--|---|---------|
| Tefilin<br>(Tefillin) | Phylacteries are a set of small black leather boxes with leather straps containing scrolls of parchment inscribed with verses from the Torah. Tefillin are worn by adult (from age of 13) Jews during weekday morning prayers. | چهاربخش از تورات<br>که در محفظه‌هایی<br>کوچک گذارده<br>می‌شود و مردان از<br>سن سیزده سالگی به<br>بعد به هنگام نیایش<br>بامدادی به وسیله<br>نووارهای چرمی به سر<br>و دست چپ<br>می‌بندند. | تِفیلین |
| Talmud                | Talmud means "study", it is a record of rabbinical discussions pertaining to Jewish law, biblical interpretation, ethics, customs, and history (Mishna) that collected in 500 CE in Babylon and Jerusalem.                     | به معنی کسب دانش<br>و تحصیل و مجموعه<br>تفسیرها و تعبیرهای<br>مباحث میشنا که در<br>ابتدای قرن ششم<br>میلادی در بابل و<br>اورشلیم تدوین<br>گردیده است.                                   | تلَمود  |
| Ta'na'kh              | The Jewish Scriptures comprising the books of law (Torah), the prophets (Nevi'im), and collected writings (ketuvim).   | کتاب مقدس متشکل<br>از تورات، نوییم<br>(کتاب پیامبران) و<br>کتوییم (مکاتیب).   | تَنَخ   |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation         | English  | محله‌ای  | فارسی               |
|-----------------------|--|--|---------------------|
| Tura, Torah, Tora     | Torah "Instrucion" is the compilation of the five books of the Hebrew Bible, namely the books of Bəreshit (Genesis), Shemot (Exodus), Vayikra (Leviticus), Bamidbar (Numbers) and Devarim (Deuteronomy). | تورات مجموعه اسفرار<br>پنجمگانه بِرِشیت<br>(پیدایش)، شِمُوت<br>(خروج)، وَیِقْرَا<br>(لاویان)، بِمِیدَبَار<br>(اعداد)، دِوارِیم<br>(تشنیه).                                       | تورا، توراه، ترا    |
| Tizku Leshanim Ra'bot | May you merit many years   | سال های زیادی<br>نصیب شما گردد.  | تیزکو لشانیم رَبُوت |
| Tisha be-av           | The ninth of Av (month), the day of mourning for the destruction of the First (by the Neo-Babylonian Empire) and Second (Roman Empire) Temples in Jerusalem.   | روز نهم ماه آب و روز سوگواری به مناسبت<br>ویرانی معبد نخست<br>به دست بخت نصر<br>بابلی و معبد دوم به<br>دست تیتوس رومی.   | تیشعا به آو         |
| Char piale            | The four cups, Drinking four cups of wine during the Passover seder night.   | به چهار بار نوشیدن<br>شراب در شب عید پسح.<br>می گویند اگر آبی که این<br>پیاله ها در آن شسته<br>می شود را پشت در خانه<br>کسی بریزند، اعضای آن<br>خانه ویلان و سرگردان<br>می شوند. | چهار پیاله          |
| Hames                 | Chametz, Foods with leavening agents that are forbidden Passover.  | خمیرترش و رآمده که<br>خوردنش در عید<br>پسح ممنوع است.  | حامِص               |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                | English   | محله‌ای   | فارسی                |
|------------------------------|---|---|----------------------|
| Hatati Aviti<br>Pasha'ti     | I have sinned, I have done wrong, I have transgressed.  | گناه و خطأ و جرم<br>کردم،<br>استغفرالله.  | حاتاتی عاویتی پاشعتی |
| Hebra                        | A small group formed by members of a Jewish community for religious and charitable affairs  | انجمن کلیمیان یک شهر  | حبرا                 |
| Ha'nuka,<br>Kha'nuka         | Hanukkah is a Jewish festival commemorating the rededication of the Temple by the Maccabees after its desecration by the Seleucid empire. | عید گشایش به مناسبت گشایش<br>بیت المقدس و آزادی اورشلیم از دست یونانیان در زمان مکابی‌ها. | حنوکا، خنوکا         |
| Hanukkiah                    | Hanukkah (Menorah), is a nine-branched candelabrum lit during Hanukkah.   | شمعدان نه شاخه<br>حنوکا   | حنوکیا               |
| Hol ha-mued                  | It refers to the intermediate days of Passover and Sukkot.  | - روزهای عادی اعیاد -<br>روزهای مابین دو روز<br>اول و دو روز آخر عید<br>پیسح و عید سوکا.  | حول هموعد            |
| Hika<br>ka'r'dan,<br>Da'khia | The process of removing the sciatic nerve, blood vessels and forbidden fats from the meat.  | گرفتن رگ و پی و<br>پاک کردن گوشت.   | حیکا کردن، دخیا      |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation          | English   | محله ای  | فارسی         |
|------------------------|---|--|---------------|
| Hilul<br>(Chillul)     | Desecration, Any action which causes G-d's Presence to be "removed" or less evident in this world is a form of Chillul Hashem.  | توهین، بی حرمت ساختن، از جنبه تقدس به حال عادی درآوردن.  | حیلول         |
| Kha'tima<br>Tova       | "A good final sealing", The greeting said on Yom Kippur.  | شادباش و آرزوی خوش پس از پایان روزه کیپور  | ختیما طوا     |
| Khupa<br>(Hupa)        | Chuppah is a canopy under which a Jewish couple stand during their wedding ceremony. It consists of a tallit, stretched over four poles, or sometimes manually held up by attendants to the ceremony. | سایبان عقد – یک طلیت (شال دعا) که چهارگوشه آن را بر چهارستون می‌اویزند و مراسم عقد زیر آن برگزار می‌شود. | خوپا (حوپا)   |
| Da'vazda'h<br>shevatim | Twelve tribes of Isreal   | دوازده اسپاط یهود  | دوازده شباتیم |
| Dur a'z<br>jenabi      | Saving your presence, You are excepted  | کنایه از هر چیز تیز، تند یا شور که جنبه خطر چشم زدن داشته باشد (نمک، میخ، سیخ، سوزن).                    | دور از جنابی  |
| Divre Tora             | "words of Torah", A short speech or talk based on the Torah portion   | آموزش تورات، موعظه تورات   | دیوره تورا    |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                      | English  | محله‌ای   | فارسی      |
|------------------------------------|--|---|------------|
| Rosh<br>hudesh,<br>Rosh<br>khodesh | Rosh chodesh is beginning of month, it is observed for either one or two days.                         | روز اول ماه که برخی<br>موقع دو روزه است.  | رُش حودش   |
| Rosh<br>ha'shana                   | Jewish New Year  | عید سال نو عبری   | رُش هَشانا |
| Rimunim                            | Ornamental finials of Torah scroll   | گلدسته‌های تزئینی<br>روی تورات  | ریمونیم    |
| Zuha'r,<br>Zoha'r                  | Zohar is a foundational book of Jewish mystical thought "Kabbalah", written by Rabbi Shimon bar Yochai | كتاب اساسی "كِبَالَا"<br>يا مكتب صوفي گري<br>مذهبی نوشته ربی<br>شیمعون بْریوحاي که<br>تفسیر رمزآلود تورات<br>است. | زوهر       |
| Sara imeinu                        | Sarah our mother, The first matriarchs of Jews.  | سارا مادر ما – نماد<br>نجابت  | سارا ایمنو |
| Sale bagh                          | It is custom that Jews go on a picnic in the nature or natural places the day after Passover.          | روز بعد از موعد<br>نیسان که یهودیان به<br>باغ و دشت و دمن<br>می‌روند.   | سالِ باغ   |
| Sokhonot                           | Sochnut, The Jewish Agency for Israel  | آژانس یهود، سازمان<br>جلب مهاجر به<br>اسرائیل   | سُخنوت     |
| Seder                              | The Jewish ritual service for the first two nights of Passover.  | مراسم شب عید پسح<br>يا عید فطیر   | سدر        |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation          | English   | محله‌ای  | فارسی              |
|------------------------|---|--|--------------------|
| Sefaradi               | Sephardi, Expelled Jews from Spain (1492) and Portugal (1497) who settled in North Africa, Middle East and western Europe later.                    | جوامع یهودی رانده شده از اسپانیا (۱۴۹۲) و پرتغال (۱۴۹۷) که بعدها در شمال آفریقا، اسرائیل و ممالک غرب و ترکیه سکونت گزیدند.           | سِفارادی           |
| Selihuti               | Selichot "forgiveness" prayers for forgiveness recited from the second day of the month of Elul till Yom Kippur, recited between midnight and dawn. | شب‌های قدر و بیداری برای خواندن تفیلای سلیحوت (نیایش بخشایش) از سحرگاه روز دوم ماه اول (ششمین ماه گاهنامه یهودی) تا شب قبل از کیپور. | سلیحوتی            |
| Sa'ndagh<br>(Sa'ndogh) | "Kuvatter", The person who holds the baby for the mohel to perform the circumcision.  | کسی که نوزاد ختنه شونده را در دامان می‌گیرد تا موهل او را ختنه کند.  | صَنْدَاق (صَنْدُق) |
| Suka                   | Sukkah is a temporary shelter topped with branches and decorated with harvest or Judaic themes. It is used during Sukkot.                           | ساپبان یا آلاچیق که سقف آن از شاخه درخت پوشیده شده باشد و در ایام عید سوکوت برپا می‌شود.   | سوکا               |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation        | English  | محله ای  | فارسی             |
|----------------------|--|--|-------------------|
| Sukot,<br>Muede suka | Feast of Booths -<br>A festival<br>celebrated for<br>eight days<br>commemorating<br>the temporary<br>shelters used by<br>the Jews during<br>their wandering in<br>the wilderness.          | عید سایبان ها،<br>یهودیان مدت هشت<br>روز به یاد خروج از<br>مصر و سایبان هایی<br>که بنی اسرائیل در<br>بیابان برپا کرده بودند،<br>در سوکا می نشینند. | سوکوت، موعدِ سوکا |
| Simha Tora           | Simchat Torah<br>“Rejoicing of the<br>Torah”, It is a<br>celebration of the<br>completion of the<br>annual Torah<br>reading. It follows<br>immediately after<br>the festival of<br>Sukkot. | عید شادمانی تورات<br>برای پایان یافتن دوره<br>یک ساله قرائت تورات<br>در روز نهم بعد از عید<br>سوکا.  | سیمحا تورا        |
| Shavuot              | Feast of Weeks,<br>First Fruits, the<br>revelation of the<br>Ten<br>Commandments<br>to Moses.  | عید هفته ها، نوبرانه ها،<br>موعد گل، روز نزول<br>تورات   | شاوعوت            |
| Sha'bat,<br>Sha'bbat | Saturday - The<br>day of rest and<br>holiness in<br>Judaism.   | شنبه – روز تعطیل<br>مذهبی، ترک کار،<br>استراحت و نیایش   | شبَات             |
| Sha'bat<br>Na'ha'mu  | "Shabbat of<br>comforting", the<br>Saturday<br>following Tisha<br>B'Av   | شنبه بعد از نویی   | شبَات نَحْمُو     |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation         | English   | محله‌ای  | فارسی         |
|-----------------------|---|--|---------------|
| Sha'be ekha<br>(Noee) | Night of the destruction of the Holly Temple – The 9 <sup>th</sup> of Av – The book of lamentations (prophecy of Jermiah) is read on the eve of Tisha b'av, starts with the word "Eichah" that means "how". | شبی که بیتالمقدس ویران گردید، نهم ماه آو. در این شب کتاب ارمیا که با کلمه اخا (چگونه) شروع می شود، قرائت می شود.<br>معنی مجازی: هرگز | شبِ اخا (نوی) |
| Sha'be sal            | The last night of Passover that Jews can eat chametz.   | آخرین شب موعد پسح و به پایان رسیدن منوعیت هشت روزه خوردن حامص  | شبِ سال       |
| Sha'ddai              | Almighty, One of the names of the God, it's written on the mezuzah.   | نام خدا، یکی از صفات خداوند که روی مژوزای درها نیز نوشته می شود.   | شَدَّاَي      |
| Shela'h goel          | Send prophet or savior.   | پیامبر یا ناجی را بفرست  | شِلَحْ گُوئِل |
| Shoa                  | " catastrophe ", Massacre of Jews in Europe by Nazi Germany.  | فاجعه انهدام یهودیان به دست نازی‌ها  | شُوا          |
| Shevarim              | One type of sound made with the shofar (three broken blows).  | یکی از نواهای سه‌گانه شوفار (سه بار به‌طور کشیده و کوتاه)  | شِوارِیم      |
| Shufar                | Shofar is a ritual musical instrument, made from the horn of a ram used on Rosh Hashana and Yom Kippur.   | کرنا ساخته شده از شاخ قوچ در روز سال نو و کیپور در کنیساها نواخته می‌شود.  | شوفار         |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation  | English   | محله‌ای  | فارسی          |
|----------------|---|--|----------------|
| Shira          | "Song" and "poetry", an expression used for wedding songs and joyous occasions.   | غزل و ترانه، اصطلاحاً برای ترانه‌های عروسی و ایام شادی به کار گرفته می‌شود.  | شیرا           |
| Shir Ha-shirim | "Song of Songs" written by King Solomon.  | "غزل غزل‌ها" نوشته حضرت سلیمان.  | شیر هشیریم     |
| Sisit          | "Tallit" is a fringed garment worn as a prayer shawl by Jews.   | شال دعا برای مردان   | صیصیت          |
| Sion           | Mount Zion, Syon, Sahyoun is a hill in Jerusalem that was conquered by King David from Jebusite (10 BC) and he established "City of David" there. The word Zion has additional spiritual meaning: Jerusalem and the nation of Israel. | صهیون، تپه محصوری در اورشلیم است که در سده دهم ق.م. به ذست داوید پادشاه از یبوسیان به تصرف درآمد و بر آن شهر داوید برباشد. در زبان انبیا نام صیون به مفهوم روحانی آن به عنوان لقبی برای اورشلیم و اسرائیل به کار رفته است. | صیون           |
| A'reva         | "Aravah" is a leafy branch of the willow tree. It is used in Sukkah ceremony.   | به معنی شاخه‌های برگ درخت بید که در بستان سایبان سوکا از آن استفاده می‌شود. شب هفتم موعد سوکا یا شب احیا که بخش‌هایی از تورات و میشنا و زوهر را از اول تا به آخر می‌خوانند و به اتمام می‌رسانند.                           | عرِوا          |
| Ezra't nashim  | The section of the synagogue reserved for women   | جایگاه زنان در کنیسا، نزدیک در خروجی یا پشت پرده.  | عِزَّرَت ناشیم |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation     | English   | محله‌ای  | فارسی          |
|-------------------|---|--|----------------|
| A'sara            | Minyan, 10 men required for communal prayer   | مینیان، ده نفر مرد لازم برای اقامه نماز  | عَسَارا        |
| A'gheda't Es-hagh | "The Binding of Isaac", Abraham bound Isaac to the altar to sacrifice him for God.  | بستان دست و پای اسحق توسط ابراهیم به منظور قربانی کردن او در راه خدا.                      | عِقدَتِ اسْحَق |
| A'lila't dam      | "Blood libel", the accusation that Jews murdered Christians and used their blood for ritual purposes, especially for the baking of Passover matzos.               | تهمت خونخواری و ریختن خون غیر یهودی در فطیر  | علیلَت دام     |
| A'makegh          | Amalek, Amalekites (a grandson of Esau) an ancient nation living near Canaan. They were the first nation to attack the Jewish people after the Exodus from Egypt. | نام قومی صحراءگرد که بسیار قدبلند بودند. این قوم برای اولین بار به قوم یهود حمله برداشتند. | عَمَالِق       |
| Omer, Umer        | Mourning period - It consists of a verbal counting of each of the 49 days between Passover and Shavuot, this period is known as the omer.                         | دوران سوگواری، شمارش ایام بین عید پیسح و شاوووت (نزول تورات)                               | عُوْمَر        |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation       | English   | محله‌ای  | فارسی     |
|---------------------|---|--|-----------|
| Gha'dish            | Kaddish, " holy"<br>-It is a hymn praising God that is recited during Jewish prayer services.   | تقدیس، نماز ویژه در نیایش‌های ویژه به زبان آرامی که متن آن تسبیح حق است.                         | قدیش      |
| Gheren<br>gha'yemet | Jewish National Fund (Keren Kayemeth Le Israel) is an organization that develops and preserves Israel lands and forests.                                  | سازمانی که برای نگهداری زمین‌ها و جنگل‌های کشور اسرائیل فعالیت و پول جمع آوری می‌کند.            | قرین قیمت |
| Gha'ria             | Keriah – Jewish mourning custom of tearing one's garment at the funeral of a near relative.   | جامه درانی، یکی از مراسم سوگواری یهودیان، درین جامه به هنگام فوت یکی از خویشاوندان درجه اول است. | قریعا     |
| Ghidush             | Kiddush, prayer and blessing over wine, The marriage also known as Kiddushin, is the sanctification of a man and a woman in the moment of being together. | تقدیس (دعای شراب) عقد محرومیت بین دختر و پسر قبل از عقد رسمی.                                    | قیدوش     |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation       | English  | محله‌ای  | فارسی         |
|---------------------|--|--|---------------|
| Ka'para             | Atonement - The ritual involves reciting prayers while swinging a live chicken (for women), hooster (for men) around one's head three times in the belief that this transfers one's sins to the chicken ahead of Yom Kippur, the chicken is then slaughtered and donated to the poor. Some Jews give tzedakah (charity). | کفاره، طبق آداب و رسوم قدیمی قبل از یوم کیپور، خروشی (برای مرد) یا مرغی (برای زن) دور سر می‌گردانند و به قصد کفاره گناهان قربانی می‌کرند. برخی نیز صداقا (صدقه)‌ای که مبین ندامت و کفاره است، می‌دهند. | کپارا         |
| Ka'shrut            | Jewish religious laws concerning the suitability of food   | حلال بودن خوراکی، قوانین شرعی برای مواد خوراکی   | کشروت         |
| Kol nidre           | "All vows", A prayer sung in synagogues at the beginning of the eve of Yom Kippur.   | نماز همه نذرها که شب کیپور خوانده می‌شود.  | کل نیدره      |
| Kenisa<br>(Ka'nise) | Synagogue  | نیایشگاه یهودیان   | کنیسا (کنیسه) |
| Getto               | Ghetto is an area of a city, where Jews live closely together and apart from other people.   | محله محصور ویژه یهودیان  | گتو           |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation   | English  | محله ای   | فارسی          |
|-----------------|--|---|----------------|
| Ga'gal misraeem | Suffering great hardship, "Mitzrayim" means Egypt, sarcasm of the Israelites were enslaved in Egypt.   | در دسر زیاد کشیدن، کنایه از بلاهایی که در مصر بر قوم بنی اسرائیل آمد.   | گلگال میصراییم |
| Gemara          | It is a collection of rabbinical analyses and commentaries on the Mishnah.   | تفاسیر میشنا و گفتار حکمای یهود   | گمارا          |
| Lu Toraee       | A self-made language used by Jews which is not Hebrew.   | زبان خودساخته و رایج بین یهودیان که زبان توراتی یا عبری نیست (نه تورایی).   | لو تُرایی      |
| Lulav           | The lulav is a cluster of a palm branch, two boughs of willow, and three boughs of myrtle. Lulav with etrog (a citron fruit) used for Berakha during the Sukkoth festival service. | در عید سوکا برگ درخت خرما و شاخه مورد و شاخه بید را به یکدیگر وصل می‌کنند و به همراه اتروق (بالنگ) برآخا می‌گویند. این سه گیاه را متفقاً لولو می‌نامند. | لولاو          |
| Levi            | Levi is the third son of Jacob, The tribe of Levi descended from him, they are respected a lot.  | فرزند سوم حضرت یعقوب و نیای یو خود مادر موسی و هارون. اسلاف لوی بعد از اسلاف هارون (کهنه‌ها) از احترام خاصی برخوردارند.                                 | لوی            |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation | English  | محله‌ای  | فارسی  |
|---------------|--|--|--------|
| Mezuza        | A mezuzah is a piece of parchment inscribed with specific verses of Torah, which Jews affix to the doorposts of their homes. | تکه پوستی که روی آن دو فصل تورات نوشته و در جلدی قرار داده شده است. یهودیان مزوزا را روی قائمه دست راست در اتاق یا در خانه نصب می‌کنند و علامت شناسایی خانه یهودی است. | مزوزا  |
| Menora        | Menorah is a candelabrum with seven branches used in the ancient temple in Jerusalem.  | شمعدان هفت شاخه مقدس که نقش آن روی دیوار پیروزی بیت‌همیقداش دیده می‌شود.   | منورا  |
| Musaf         | Musaph is the “additional service” recited on the sabbath and festivals.   | نمای اضافی در روز شنبه و اعیاد   | موصاف  |
| Midrash       | Midrash is study, commentaries and interpretations of Scripture  | بررسی و پژوهش، شامل موعظه‌ها، تعابیر و حکایت‌های پندآمیز درباره موضوع‌های کتب مقدس یهود  | میدراش |
| Mishkan       | Tabernacle - Mishkan means "dwelling", a portable temple built after the exodus from Egypt by Israelites.                    | جایگاه، معبد سیاری که بنی اسرائیل پس از خروج از مصر در بیابان برپا کردند و به صورت خیمه بزرگی بود.   | میشکان |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                    | English   | محله ای  | فارسی        |
|----------------------------------|---|--|--------------|
| Mishna                           | Mishnah means "teaching", it is the major written collection of the Jewish oral traditions that are known as the Oral Torah, it consists of six orders. | به معنی آموزش و مطالعه، مجموعه‌ای است متشکل از شش بخش حاوی تفسیرها و تعبیرهای احکام و قوانین تورات | میشنا        |
| Mighve                           | Mikvah is a bath used for the purpose of ritual immersion in Judaism to achieve ritual purity.  | حوض یا چشمہ غسل<br>محتوی آب کُر  | میقوه        |
| Minhagh                          | Minhag means custom, is an accepted tradition in different groups of Jews (Sephardic - Ashkenazi – Mizrahi)   | رسوم و آداب رایج<br>بین گروه‌های مختلف<br>یهودی (اشکنازی – سفارادی – میزراحی)                      | مینهاق       |
| Na'tila't<br>yada'eem,<br>Netila | Ritual hand washing, before and after eating bread, after sleeping  | شستن دست قبل و بعد از خوردن غذا، پس از بیداری.   | نطیلت یادییم |
| Neila                            | Neilah is the last prayer of Yom Kippur services.   | نماز اختتام در یوم کیپور   | نعلیا        |
| Noee                             | The nine days of Av month – Mourning days   | ایام سوگواری – نه روز در ماه عبری آو   | نویی         |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation                        | English  | محله ای   | فارسی              |
|--------------------------------------|--|---|--------------------|
| Va'sle Judi<br>(ya'hudane - a'sa'li) | Jewish badge, a badge that Jews were ordered to wear to be distinguished from others.  | یهودانه، عسلی، تکه پارچه ناهمرنگی که یهودیان مجبور بودند روی لباس خود بدوزند تا از غیریهودیان قابل تفکیک باشند. | وصله جودی          |
| Harun                                | Aaron, the elder brother of Moses and high priest  | برادر بزرگ حضرت موسی و کاهن معبد  | هارون، آهرون       |
| Ha'bdala,<br>A'bdala                 | Havdalah "separation", this ritual marks the end of Shabbat or a holiday, which means the holy day is separated from the other days. It should be performed after nightfall. | دعای فرق گذاری بین روز شبات و عید و روز عادی که در پایان روز خوانده می شود.                                     | هَبْدالا، هَوْدالا |
| Hekhal                               | "Palace", the ark in a synagogue which holds the Torah scrolls.  | جایگاه تورات در کنیسا   | هِحال              |
| Ha'ftara                             | Haftarah is a part of the prophets' book that is read after the Torah reading on Shabbat and holiday.  | بخشی از یکی از کتب انبیا که بعد از قرائت تورات در شبات خوانده می شود.   | هَفْطَارَا         |
| Ha'mosi,<br>Hamusi                   | Hamotzi is the blessing over bread.  | دعای برکت نان قبل از غذا  | هَمُوصِي           |
| Yeghutiel                            | "Jekuthiel" is another name of Moses (named by his mother).  | از اسمی حضرت موسی   | یقوتیئل            |

## فرهنگ لغات یهودیان تهران

| Pronunciation      | English   | محله‌ای  | فارسی       |
|--------------------|---|--|-------------|
| Ya'ldaye<br>Tehran | <p>Tehran Children – A group of Polish Jewish children (716 people) escaped from the Nazi German occupation of Poland.</p> <p>After years of vagrancy they were sent to Tehran, they stayed in Tehran camp for some months and then travelled to Palestine and arrived there on Feburuary 18, 1943.</p> | <p>بچه‌های تهران، یک گروه نفره بچه‌های ۷۱۶ یهودی لهستان هستند که با شروع تجاوز آلمان نازی به لهستان، کشور خود را ترک کردند و بعد از سه سال و نیم آوارگی در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۴۳ وارد اسرائیل شدند. در این مسیر طولانی ترین توقف بچه‌ها در اردوگاهی در تهران بود و به همین دلیل به "بچه‌های تهران" موسوم شدند.</p> | يلدای تهران |
| Yiddish            | <p>The language used by Jewish people in central and eastern Europe from 9th century. It was originally a German dialect with words from Hebrew.</p>  | <p>زبان توده‌های یهودیان شرق اروپا که مبدأ آن آلمان قرون وسطی است.</p>   | ييدиш       |

